



شرح نمونه‌ای است از این آزاد منشی‌ها

اعترافات یک بازجو

سال ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعترافات یک پارتو

نام کتاب:.....اعترافات یک بازجو
ویرایش و تنظیم:.....گروه تحقیقات
ناشر:.....انتشارات عرفان کیهانی (حلقه)
تاریخ انتشار:.....۱۳۹۶

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است

فهرست

۷مقدمه
۸راههای اعمال فشار سازمان اطلاعات سپاه به متهمان در بند دو الف زندان اوین
۸۱. شگرد گرفتن اعترافات و مصاحبه‌های کذب دیکته شده بعد از اعلام اجرای حکم اعدام متهم از طریق رسانه‌ها
۹۲. گروگانگیری
۱۰۳. نشر اکاذیب و اراجیف
۱۲۴. اعمال شکنجه روانی از طریق القاء و صحنه‌سازی حکم اعدام
۱۴۵. ایجاد شرایط نامناسب جسمی روانی به هنگام تفتیش عقیده
۱۵۶. سوء استفاده ابزاری از مراجع محترم تقلید
۱۶۷. جعل کردن اسناد و مدارک، فایل‌های صوتی، دستنوشته‌ها
۱۶۸. استفاده از خانه‌های تیمی بازجویی
۱۷۹. تهدید به دستگیری اعضای خانواده
۱۸۱۰. اعمال فشار و تهدید برای پذیرفتن و اعتراف به داشتن ارتباط نامشروع
۱۸۱۱. تحقیر، هتک حرمت، فحاشی و به کار بردن الفاظ رکیک
۱۹۱۲. اقدام به شستشوی مغزی به بهانه معالجات روانپزشکی
۱۹۱۳. تهدید قبل از جلسات دادگاه
۲۰۱۴. وادار و مجبور کردن متهم به عدم دفاع از خود در دادگاه
۲۱۱۵. اقدامات غیرقانونی در مورد دستگیری افراد
۲۵۱۶. فرمول پرونده‌سازی برای متهمین سیاسی امنیتی
۲۹۱۷. درست کردن شاکی خصوصی
۳۱۱۸. عدم رعایت اصل برائت در دادگاههای انقلاب
۳۱۱۹. عدم ارائه اسناد و مدارکی که به نفع متهم باشد
۳۲۲۰. عدم اختصاص وقت کافی برای دفاع در دادگاه انقلاب
۳۳۲۱. فریب متهم توسط قاضی و کارشناسها
۳۴۲۲. انتشار مطالب کذب در جهت سمپاشی علیه متهمین (سیاسی - عقیدتی - امنیتی) قبل از اثبات در دادگاه

۲۳. درست کردن حاشیه و شایعات کذب در پیرامون زندگی متهمین ۳۵
۲۴. درست کردن شاکی و شاهد از درون بازداشتگاه ۳۵
۲۵. خالی گذاشتن جای برخی از سؤالات در برگه‌های بازجویی ۳۶
۲۶. عدم دسترسی متهم به وکیل و بالعکس ۳۷
۲۷. عدم اختصاص وقت کافی برای ملاقات با وکلا و محدودیت در دفعات ملاقات ۳۸
۲۸. استناد به مطالب کذب به عنوان دلایل صدور حکم ۳۹
۲۹. عدم توجه به اعتراضها و اعتصابهای زندانیان ۴۰
۳۰. عدم رسیدگی به شکایت محبوسین در بازداشتگاه ۴۱
۳۱. گرفتن استشهادهای زوری دیکته شده علیه متهمین ۴۴
۳۲. عدم اجازه به شهود و متخصصین برای دادن شهادت و گزارش به نفع متهمین
(سیاسی - عقیدتی - امنیتی) ۴۶
۳۳. توهین به شعور جمعی هواداران و مدافعین متهمین (سیاسی - عقیدتی - امنیتی) ۴۷
۳۴. اضافه کردن موادی در قانون جدید علیه متهمین (سیاسی - عقیدتی - امنیتی) ۴۸
۳۵. غیرمستقل بودن قضات دادگاه انقلاب و بازپرسهای دادرسی امنیت (شهیدمقدس) ۵۱
۳۶. برگزاری دادگاههای غیرعلنی و یا علنی کنترل شده ۵۲
۳۷. گنج کردن متهم به هنگام مباحثه با زدن ضربه ۵۳
- نحوه ضبط و توقیف اموال، اسناد و مدارک و سوء استفاده از آلبوم عکسها و فایل‌های خانوادگی
از طریق انتشار در فضای مجازی ۵۴
- تفاوت بین بازجو و کارشناس ۵۶
- مقایسه (کارشناس سازمان اطلاعات سپاه) با (بازجوی ساواک) ۵۸
- روشهای غیراخلاقی (کارشناسان) در جمع آوری اطلاعات - رطب خورده‌ای به نام محمودرضا قاسمی ۵۹

مقدمه

من، بازجوی سپاه، عضو قرارگاه ثارالله، بسیجی فعال سابق، مشاهدات خودم از آنچه در بند دو الف زندان اوین و شکنجه هایش بر روی محمد علی طاهری دیدم را به رشته تحریر در می آورم. باشد که توبه من در درگاه حق مورد پذیرش قرار گیرد. خدای من شاهد است که من ماموری معذور هستم و فقط آنچه مجبورم را انجام می دهم.

سربازان گمنام وزارت، بعد از ۵ سال ماموریت سخت بازنشست می شوند. اما در ثارالله این خبرها نیست. فشار کاری، دیدن صحنه های تلخ شکنجه، فیلم برداریها و شنودها و خود را جای دهها نفر جا زدن آنها و.... و این میانه اگر یک در صد به خودت بیایی که شاید تمام دوره خدمتت اشتباه کرده ای و هدفت روز اول خدمت به نظام و کشورت بوده و نه آزار دیگران، راهی برایت نمی ماند جز تبعیت اجباری و طلب حلالیت یواشکی از متهمانی که بسیاری مجرم نیستند.

برایتان می نویسم
استغفرالله ربی و اتوب الیه

راههای اعمال فشار به متهمان در بند دو الف

۱- شگرد گرفتن اعترافات و مصاحبه های کذب دیکته شده بعد از اعلام اجرای حکم اعدام متهم از طریق رسانه ها

این یکی از شگردهایی است که کارشناسان درقبال ناامیدی از همکاری متهم و عدم توفیق در گرفتن اعترافات و مصاحبه های کذب دیکته شده، بکار می برند. به این ترتیب که ابتدا برای متهم حکم اعدام صادر می کنند و سپس اعلام میکنند که حکم اعدام را در مورد او اجرا کرده اند (با ذکر تاریخ، صحنه سازی ها، عکس ها و مدارک جعلی و...) و بعد با ارائه آدرس قبری به خانواده آن فرد، به آنها اعلام می شود که محکوم در آنجا (بخاطر پیش گیری از حاشیه سازی، تجمع و برخی از مصالح امنیتی و...) توسط مامورین رسمی قانون، دفن شده، درحالی که او را هنوز اعدام نکرده اند و زنده است و در صورت اعتراض احتمالی خانواده نیز با واکنش شدید ماموران امنیتی مواجه خواهند شد.

بعد از پایان این مرحله، کارشناسان با خیال راحت و اینکه آن فرد مطلع میشود که خانواده اش به تصور اینکه او اعدام شده، دیگر هرگز سراغش را نخواهند گرفت و... وی را تحت شدید ترین فشارها و شکنجه های جسمی و روانی قرار می دهند تا اعترافات، مصاحبه ها و فیلم های لازم را از او بگیرند بدون آنکه نگران زنده ماندن او باشند. البته سعی می کنند صورت و بالاتنه او برای گرفتن مصاحبه ها و فیلم ها و... سالم بماند (ممکن است تحت فشارها و شگردهای ویژه، از فرد فیلم هایی در وضعیت های خاص تهیه شود). پس از آن در مراحل بعد کارشناسان با پخش مصاحبه ها و اعترافات ادعا می کنند که در زمان رسیدگی به پرونده (قبل از اجرای حکم اعدام) متهم این اعترافات و مصاحبه ها را انجام داده و به جرائم خود اعتراف کرده است و برخی از فیلم های خاص را هم گفته می شود که اخیرا در بازرسی از محل هایی برحسب اتفاق بدست کارشناسان افتاده است و... پس از خاتمه همه این صحنه سازی ها و اثبات مجرمیت فرد با کمک خود اقراری و لجن مال و بی حیثیت کردن آن فرد و تکمیل سناریوی مورد نظرشان، خیلی بی سرو صدا او را سربه نیست می کنند، بدون آنکه کوچکترین رد و نشانه ای بجا بگذارند.

در مورد کیس آقای محمد علی طاهری

در خرداد ماه سال ۹۰ هر روز برای اجرای حکم اعدام (که با ارائه اسناد و مدارک جعلی از سوی بازپرس اسدی و ما کارشناسان، مدعی بودیم که از سوی پانزده تن از مراجع تقلید، پانزده حکم اعدام صادر شده است) صحنه سازی می کردیم. در آخرین بار از وی سوال کردیم:

- "ازاینکه می خواهی اعدام شوی، آیا نمیترسی؟"

او گفت: "خیر مگر ترسی دارد؟"

- "اما تو داری زندگی ات را از دست میدهی."

- او گفت: "در عوض از شر شما خلاص می شوم."

- "فکر میکنی به همین سادگی تو را خلاص می کنیم؟ ما با تو خیلی کار داریم و به این زودی تو را اعدام نمی کنیم، البته از طریق رسانه ها اعلام می کنیم که تو را اعدام کرده ایم، اما..."

قاعدتا در اینگونه موارد، باید خانواده متهمین سیاسی-امنیتی به هر طریق ممکن از کارشناسان بخواهند که مراسم خاک سپاری را خودشان انجام دهند (البته با توجه به شرایط نفاق آمیزی که برای جداسازی خانواده از متهم در خلال بازداشت موقت او ایجاد کرده اند، بسیاری از خانواده ها دیگر این موضوع برایشان اهمیت چندانی نخواهد داشت که بخواهند برای اطمینان از هویت جنازه دفن شده با کارشناسان درگیر شوند.

۲- گروگانگیری:

یکی از شگردهای بسیار رایج برای اینکه افراد سیاسی-امنیتی مورد نظر فراری، مجهول المكان و یا آنها که در خارج از کشور به سر می برند، به ایران آمده و خود را تسلیم ما کارشناسان کنند؛ گروگان گیری از بستگان فرد، بخصوص اعضای درجه یک خانواده او می باشد که در این روش به بهانه های واهی و پاپوش های مختلف مانند کمک به فرار متهم، ارتباط و حمایت از او و... اقدام به دستگیری نزدیکان نموده و سپس با ارسال پیغام به او توسط خویشان مبنی بر اینکه تا خود را معرفی نکند، افراد خانواده اش در حبس باقی خواهند ماند، او را مجبور به بازگشت و تسلیم خود می نمایند و در خیلی از موارد این دسته از متهمین سیاسی-امنیتی بواسطه وابستگی های عاطفی و تهدیدهایی که نسبت به گروگان ها می شود، برای آزادی گروگان ها ترجیح می دهند که خود را معرفی کنند. **برای مثال:**

آقای **سعید ملک پور** که با گروگان گرفتن همسرش در ایران، مجبور شد از کانادا به کشور برگشته و خود را معرفی کند که بعد از آن همسرش آزاد و خود او به اعدام محکوم و با یک درجه تخفیف در دیوان عالی کشور به حبس ابد تبدیل شد و هم اکنون در زندان عمومی اوین بسر می برد و با ارائه اسناد و مدارک ساختگی به همسرش باعث شدند که وی طلاق بگیرد. مورد دیگر در مورد گروگان گیری، فردی به نام آقای **بهمن آبادی** بود که او را به عنوان گروگان دستگیر کرده بودیم تا پسرش که بعنوان فعال حقوق بشری در خارج از کشور بسر می برد، به ایران بازگشت نماید و خود را به ما کارشناسان معرفی کند و...).

اما بعد از اینکه این افراد به ایران بازگشته و خود را معرفی نمودند، در رسانه ها اعلام می کنیم که

چون آنها از اعمال و رفتار و... خود نادم و پشیمان هستند، به آغوش وطن بازگشته و... بعد از این مراحل، بستگی به فرد و نوع اتهام او، بهره‌برداری‌های مختلفی در جهت سناریوهای خود از او بعمل می‌آورند و اگر اراضی به همکاری در جهت اهداف کارشناسان نشود، بطور قطع او را محکوم به مجازات‌های سخت خواهند نمود، ضمن اینکه همواره در معرض تهدید دستگیری و ایجاد مزاحمت برای اعضای خانواده‌اش قرار دارد. از طرف دیگر نیز ممکن است خانواده را برای فشار آوردن به او در جهت همکاری نمودن فرد با کارشناسان و رهایی خودشان از مزاحمت‌هایی که آنها را تهدید می‌کند، بسیج کنند و متهم از یک سو تحت فشار همه جانبه کارشناسان و از سوی دیگر تحت فشار خانواده قرار بگیرد، تا در نهایت پس از تحمل فشارهای جسمی و روحی فراوان تسلیم خواسته آنان شود.

۳- نشر اکاذیب و اراجیف:

از مهمترین شگردهای رایج بر علیه متهمین سیاسی- عقیدتی و امنیتی، بمباران تبلیغاتی، سم‌پاشی، لجن‌پراکنی، نشر اکاذیب و اراجیف می‌باشد. در این روش، متهم را در شرایط قرنطینه، حصر و... در بازداشتگاه‌ها، خانه‌های تیمی بازجویی و... در حبس نگه می‌دارند، بطوریکه نتوانند از این هجمه‌ها و حملات رسانه‌ای با خبر شده و همچنین قادر نباشد صدای خود را به گوش کسی برساند و از خود دفاع نموده و به این تهاجمات ناجوانمردانه و دروغین پاسخ دهد. سپس با توجه به حرفه، سابقه، نوع اتهام اصلی متهم (بعنوان پاپوش سیاسی- عقیدتی- امنیتی)، اقدام به نشر اکاذیب، دروغ و افترا، اخبار کذب و انتشار هر موضوعی که به نحوی باعث لجن مال شدن آبرو و حیثیت او شود، می‌نمایند. درحالیکه متهم نه از این تبلیغات سوء باخبر می‌شود و نه حتی در صورت باخبر شدن می‌تواند پاسخ اراجیف را داده و در قبال افتراها و تهمت‌ها از خود دفاع کند. در موارد بسیار مهم عقیدتی حتی ممکن است به انتشار کتب، مجلات، مقالات و برگزاری همایش‌ها و... اقدام نموده و با تهیه فیلم‌ها، کلیپ‌ها، برنامه‌های بظاهر مستند با موضوعات مسموم و کذب و سیاه‌نمایی و پخش آنها از رسانه‌های مختلف بر علیه متهم، تبلیغات مسموم براه بیاندازند. سپس پس از سالها تداوم این سمپاشی‌ها و حبس و نگهداری متهم در بازداشتگاه، همه این منابع را جمع‌آوری و به عنوان مستندات تحقیق شده معتبر که ادعا می‌شود توسط محققین خبره و بی طرف تهیه شده و یا جزو مستندات قوه قضائیه و... می‌باشد (ولی در اصل توسط کارشناسان برنامه‌ریزی، تهیه و ارائه شده است)، به دادگاه ارائه و به عنوان مستندات پرونده مورد بهره‌برداری سوء قرار گرفته و حتی در موضوعات کیفر خواست هم بر اساس این منابع، بعنوان منابع قطعی مسجل تنظیم می‌شود. درحالیکه امکان هیچگونه بررسی و پاسخگویی به این منابع بظاهر مستند ولی در باطن کذب به متهم داده نمی‌شود. این روش بر اساس اینکه

هدف وسیله را توجیه می‌کند، عدالت را فدای سرکوب و حذف این دسته از متهمین می‌کند. البته در این راستا از اسناد و مدارک ساختگی و جعلی و مصاحبه‌های زوری دیکته شده نیز استفاده می‌گردد.

اما در مورد کیس آقای محمدعلی طاهری در باب نشر اکاذیب:

این شگرد با چاپ و انتشار چندین جلد کتاب، مجلات، تهیه و پخش چندین فیلم، کلیپ، برنامه‌های رادیویی، همایش‌ها و صدها مقاله بر علیه او توسط ما صورت گرفت. همچنین تهیه کلیپ‌هایی که در آنها از بریده‌هایی از فیلم‌های مستند موسسه و صوت‌های موجود همراه با ایجاد تغییرات در آنها و مونتاژ و پخش بریده این فیلم‌ها بصورت ناقص بطوریکه کسی نتواند از محتوای این کلیپ‌ها به کل موضوع مورد بحث پی ببرد و ما توانستیم با استفاده از این تکه فیلم‌ها و صوت‌های ناقص، مطالب مورد نظر خود را به بیننده و شنونده القا کنیم. این مجموعه تهیه شده به صورت مستندات تحقیق شده کارشناسی به دادگاه تحویل شده است.

در دادگاه سال ۹۰ به ریاست قاضی پیرعباسی، چندین کتاب از این دسته ضمیمه پرونده بود درحالیکه هیچ کدام از کتابهایش، مجلات، مقالات، فیلم‌های کلاس‌ها، صوت‌ها و... به دادگاه ارائه نشده بود و قاضی چند سوال از کتاب "افسون حلقه" تألیف آقای ناصری راد از همکاران ما (که در آن اقدام تحریف مطالب، تغییر اشکال کتابها بمنظور مخدوش کردن مطالب، سفسطه، مغلطه و... پرداخت) مطرح نمود که این منابع تحت عنوان مستندات تحقیق شده و حتی بعنوان تردکتر توسط کارشناسان ما تهیه و ضمیمه پرونده می‌گردد. پس از اتمام دادگاه و بدنبال اعتراض شدید آقای طاهری به اینکه باید این کتابها را مطالعه و به آنها پاسخ بدهد، یک سال بعد کتاب "افسون حلقه" را در اختیارش قرار دادیم (با برنامه قبلی) که جوابیه آن را در ۲۰۰ صفحه ۸۴ و ۵۰ صفحه ۸۴ استنادات قرآن، نهج البلاغه و... مربوط به این جوابیه به کارشناس خود با نام رحیمی (همکار ما) تحویل داد که این جوابیه را پنهان کردیم و نه به وکیلش تحویل دادیم و نه به دادگاه. لازم به ذکر است که در همین رابطه، شگرد دیگر ما کارشناسان از بین بردن کلیه منابع، کتب، مقالات، فیلم‌ها، اسناد و مدارک تحقیقاتی، فایل‌های کتب چاپ نشده، گزارش‌های مستند پزشکی فرادرمائی و سایمنتولوژی، استشهادهای شاگردان موسسه که همه افراد شرکت کننده در دوره‌ها به عنوان گزارش پایان دوره به موسسه تحویل داده بودند و... بوده که بصورتی ناعادلانه و مغول وار علیه "عرفان حلقه" و آقای طاهری بعنوان بنیانگذار بکار گرفته شده تا با انهدام آنها، کسی نتواند به اصل منابع عقیدتی دسترسی داشته و به حقیقت پی برده و متوجه تحریف، سفسطه، مغلطه، تغییر اشکال و مطالب و جایگزینی متقلبانه موضوعات بمنظور التقاطی نشان دادن تفکر و... بشود.

در این رابطه بخش عمده‌ای از این منابع را به بیابان‌های اطراف تهران انتقال دادیم و دوستان من بدون ارائه هرگونه حکمی در حضور همسر و خواهر زاده آقای طاهری دستور دادند آنها را مانند مغولها به آتش بکشانند. از شیوه‌های تکمیلی این شگرد از بین بردن بیوگرافی علمی و مثبت فرد است تا مدرک و سندی باقی نماند تا با آشکار شدن آنها، دروغ‌هایی که در جریان سم پاشی علیه فرد بعمل آورده‌اند، مشخص نشود. به همین منظور هم سم پاشی‌ها اکثراً توسط گروهی از کارشناسان انجام شد که خود را در زمره مردم عادی، انجمن‌ها، NGOها، موسسات و... معرفی کردیم و شروع به بدگویی نمودیم.

۴- اعمال شکنجه روانی از طریق القاء و صحنه‌سازی حکم اعدام:

این روش از شیوه‌های متداول اطلاعات سپاه است که به طرق مختلف به متهمین القا می‌کنند که اعدام خواهند شد در این رابطه مدارک جعلی نیز به آنها ارائه و صحنه‌سازی اعدام را نیز با همه جزئیات اجرا می‌کنند و در حاشیه این صحنه‌سازی‌ها، به طور ضمنی به متهم پیشنهاد می‌کنند که در صورت همکاری و پذیرش اتهامات دروغین، اعتراف به مطالب دیکته شده و انجام مصاحبه در این مورد، حکم اعدام را با حبس جایگزین خواهند کرد. با این شگرد در اکثر موارد موفق می‌شوند تا مصاحبه‌ها و اعترافات دیکته شده‌ی مورد نیاز سناریوهای خود را از افراد بگیرند. هدف از این کار، تحقق بخشیدن به سناریو‌هایی است که مهمترین آنها عبارتند از:

- ۱) مستند کردن شعار‌هایی که در سطح نظام مطرح می‌شود مانند تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، مفاسد اقتصادی، ولنگاری فرهنگی، نفوذ و... که در این موارد با دستگیری افرادی که بتوانند آنها را با این شعارها به نوعی مرتبط نموده و با درست کردن برچسب‌ها و پاپوش‌های سیاسی - امنیتی، آنها را وادار به اعترافات کذب و مصاحبه‌های دیکته شده نموده تا به صورتی مستند نشان دهند که شعار‌هایی را که نظام مطرح می‌کند همگی درست بوده و اگر مملکت دستخوش اوضاع نابسامان فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... می‌باشد، به واسطه‌ی مداخله، نفوذ و خرابکاری این عده می‌باشد و به این وسیله ذهن مردم و افکار عمومی را از بی‌کفایتی‌ها و فساد حکومتی و... معطوف و متوجه به عده محدودی نموده و نظام را از این اتهام تبرئه کند. در ضمن وضعیت مملکت را در شرایطی نمایش دهند که استکبار جهانی قصد ساقط کردن آن را دارند و با این بهانه بتوانند هر گروهی را که بخواهند سرکوب نموده و از گردونه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... براحق خارج کرده و اینطور نشان دهند که همواره نیاز به شرایط ویژه سیاسی امنیتی می‌باشد.
- ۲) ترور شخصیتی افراد و گروه‌ها که به هر دلیلی نیاز به تخریب و لجن مال کردن آنها در افکار عمومی باشد.

۳) با توجه به اینکه شاهرگ‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی، هنری و... در

دست سپاه می باشد از این رو تمایل شدیدی وجود دارد که شاهرگ اطلاعاتی و امنیتی کشور را نیز در اختیار داشته باشد و طی یک دوره زمانی با کسب موفقیت های چشمگیری در این زمینه بتوانند جای وزارت اطلاعات را گرفته و در این مورد نیز یک تاز شود و مملکت را یکجا در جنگ خود داشته باشد.

۴) مبارزه با هر نوع اقدام علیه نظام

درباره کیس آقای محمدعلی طاهری در باب القاء حکم اعدام

دستگیری آقای طاهری در رابطه با مواردی که در پست قبل عرض کردم و مستندسازی در زمینه تهاجم فرهنگی صورت گرفت تا با گرفتن اعترافات و مصاحبه های دیکته شده نشان دهیم که غرب به ایشان سفارش ساخت عرفان حلقه و ترویج آن را داده تا به این وسیله ایران را تحت تهاجم فرهنگی نشان دهیم که می خواهد فرهنگ آن را تغییر دهد و ... یکبار در یک بازجویی به وی اتهام وارداتی بودن عرفان را زدیم و آقای محمدعلی طاهری در جواب این نکات در بازجویی عینا نوشت:

"اولا عرفان متکی به کشف و شهود است و با دعوت و توفیق الهی ایجاد می شود و کسی نمی تواند تصمیم به کشف و شهود بگیرد، چه برسد به اینکه قدرتی بخواهد به کسی سفارش ساخت عرفان بدهد و در طی قرون متمادی فقط عده محدودی مورد چنین دعوت و توفیقی از جانب حق قرار گرفته اند.

ثانیا: عرفان به خودی خود باعث ایجاد تغییر سوئی در فرهنگ نمی شود، زیرا همه موضوعات آن پیرامون خداشناسی عملی یا خودشناسی عملی می باشد.

ثالثا: تهاجم فرهنگی یعنی حمله به فرهنگ جامعه با توسل به زور"

بله، ایشان حقیقتا درست میگفت. حمله به فرهنگ جامعه با توسل به زور برای مثال برداشتن چادر از سر زنان با زور سر نیزه و یا حمله به منازل جهت تخریب دیش ماهواره برای جلوگیری مردم از تماشای برنامه های کانال های ماهواره ای و ...

اما در رابطه با موضوع این بند، در آن زمان، بازپرس شعبه پنجم دادسرای شهید مقدسی (آقای اسدی) با ارائه مدارک جعلی مبنی بر صدور پانزده حکم اعدام از سوی مراجع تقلید، به اتهامات ساختگی ارتداد، محارب با خدا و رسول خدا، افساد فی الارض، ساب النبی، توهین به مقدسات و ... به عنوان پاپوش های سیاسی و امنیتی، دستور بازداشت موقت آقای طاهری را صادر و ما کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه نیز در زمینه اجرای احکام اعدام به صورت مداوم اقدام به صحنه سازی نموده تا بلکه پیشنهاد ما را مبنی بر همکاری پذیرفته و اعتراف کذب مبنی بر داشتن ارتباط با آمریکا نموده و در این مورد و اینکه آنها به او سفارش ساخت عرفان و ترویج آن

را داده‌اند، مصاحبه کند تا اعدام وی را با هشت سال حبس جایگزین کنیم. ولیکن به علت اینکه آقای طاهری این پیشنهاد را نپذیرفت، ما وی را تهدید کردیم که در صورت عدم همکاری، کسانی را داریم که به سراغ همسرش بفرستیم و به او صدمه بزنیم و به این ترتیب بچه‌هایش بی سرپرست بشوند، که این موضوع باعث شد به قول خودش برای جلوگیری از صدمه رسیدن به همسرش و عدم انجام مصاحبه و اعتراف کذب، چهار بار اقدام به خودکشی کند که با این عمل وی، ما منصرف شدیم و از این مرحله دست کشیدیم.

لازم به ذکر است عمده فعالیت کارشناسان اطلاعات سپاه متاسفانه برخلاف بازجو‌ها که می‌خواهند از متهم، حقیقت را کشف کنند، مایل هستند که زندانی آنچه را که آنها می‌گویند و دیکته می‌کنند، اعتراف کرده و مصاحبه کند. در غیر این صورت تکمیل سناریوهای آنها با مشکل مواجه خواهد شد.

۵- ایجاد شرایط نامناسب جسمی - روانی به هنگام تفتیش عقیده:

جهت مختل کردن ذهن زندانی و پاسخ دادن بی ربط یا متزلزل او به پرسش‌های اعتقادی برای استفاده‌ی صوتی در برنامه‌های مستند رادیویی و غیره، ما از روش‌هایی استفاده می‌کنیم تا پاسخ‌های زندانی غیر عادی جلوه نموده و شنونده دچار این تصور شود که فرد جواب چرت و پرت می‌دهد و هیچ تسلطی به موضوع مورد اتهامش ندارد.

یکی از این روش‌ها "کیسه سیاه، دو عمامه" است، علت این نامگذاری این است که کارشناسان به زندانی تفهیم کنند که آنها هیچ اعتقادی به مسائل اسلامی ندارند و برای رسیدن به هدف خود از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند در این روش با کشیدن کیسه سیاه بر روی سر و بستن دست‌ها تا آرنج و پاها تا زانو با دو رشته بلند پارچه شبیه عمامه (که اثری از زخم بر روی دست و پا باقی نماند)، ضمن اینکه فرد در این وضعیت مانند یک مجسمه، نمی‌تواند هیچگونه حرکتی انجام دهد، توسط چند نفر احاطه و بین خود شروع به هل دادن، چرخانیدن و کوبیدن به دیوار ها می‌کنند در نتیجه زندانی گیج شده و حالت وحشتناکی بر او غالب می‌شود و پس از مدتی او را بر روی صندلی نشاند و از او سوالات اعتقادی مربوط به اتهامش که برای او درست کرده‌اند، می‌پرسند که طبیعتاً در این حالت پاسخ‌های فرد غیر عادی و پرت خواهد بود و به این ترتیب با بریدن و مونتاژ بخش‌هایی از صوت او و پخش از برنامه‌های رادیویی و رسانه‌ای نشان می‌دهند که اندیشه‌های فرد بی‌ربط و ضاله و غیره است و او که از این شیوه‌های کثیف بی‌اطلاع می‌باشد تلاش می‌کند که پاسخ سوالات و بحث و مناظره‌ای را که آنها تحت این شرایط به راه انداخته‌اند، بدهد، غافل از اینکه بعداً بریده‌های این پاسخ‌ها مورد سوء استفاده‌های مختلف قرار خواهد گرفت.

اما در مورد آقای محمدعلی طاهری در باب ایجاد شرایط نامناسب جسمی روانی

این روش را بارها بر روی آقای طاهری امتحان کردیم و یکبار هم به جای کشیدن کیسه سیاه، روی سرش چشمانش را با دستمال سیاه بسته بودیم. چند نفر از همکاران از آنجا که پس از مدتی به آن نتیجه دلخواه که در نظر داشتند نرسیده بودند به شدت عصبانی شدند و سر آقای طاهری را محکم به نبش دیوار در ورودی کوبیدند، به طوریکه فرق سرش شکاف برداشت. البته لازم به ذکر است که مصاحبه‌های دیکته شده تصویری برای استفاده در برنامه‌های خبری و مستندهایی که کارشناسان برای عرضه به افکار عمومی تهیه می‌کنند، از اهمیت بسیار زیادی برای آنها برخوردار است بنابراین ظاهر قیافه زندانی برای تهیه مصاحبه‌ها خیلی مهم است و کارشناسان سعی می‌کنند که به ظاهر زندانی آسیبی وارد نشود و بیشتر با ایجاد رعب و وحشت، تهدید به دستگیری اعضای خانواده و صدمه رسانیدن به آنها و در مواردی تهدید به تعرض به آنها و ... به طرح و نقشه خود جامه عمل می‌پوشانند و برای اینکه زندانی این تهدیدها را باور کند کارشناسان عمداً به طور علنی منکر دین و خدا، پیغمبر و مقدسات می‌شوند. در مواردی خود ما کارشناسان به مقدسات توهین می‌کنیم و می‌گوییم این حرف‌ها برای عوام فریبی در سطح جامعه است و کار ما با این مسائل فرق دارد.

یکبار آقای طاهری به شدت به این عمل ما اعتراض کرد، در پاسخ به او گفتم که از سال‌ها قبل از مراجع تقلید فتوا گرفته‌ایم که چون با دشمنان اسلام، منافقین، استکبار جهانی و ... در جنگ هستیم، اجازه داریم نیرنگ کنیم، قسم دروغ یاد کنیم، اسیر بگیریم و ...

۶- سوء استفاده ابزاری از مراجع محترم تقلید:

کارشناسان جهت سرکوب متهمین عقیدتی ضمن اقدام به تحریک مراجع با ارائه اطلاعات غلط به آنها، برای محکوم کردن مجرمانه این دسته از متهمین در دادگاههای انقلاب و عرضه به افکار عمومی با طرح استفتاهای غیر واقع مبتنی بر فرضیات ساختگی فتوای این مراجع را اخذ و مورد سوء استفاده قرار می‌دهند، بدون آنکه به متهم فرصت اعلام جعلی بودن فرضیات مطرح شده در استفتا داده شود.

در مورد آقای محمدعلی طاهری هم باز پرس اسدی از سه مرجع تقلید: آقایان مکارم شیرازی، نوری همدانی و سبحانی با طرح شش فرض ساختگی که در هیچ دادگاهی به اثبات نرسید

استفتا نموده که آنها نیز با توجه به فرضیات نادرست حکم صادر کرده‌اند که مورد سوء استفاده‌ی ما قرار گرفت. همچنین در مورد ارائه پانزده حکم جعلی اعدام که از سوی **بازپرس اسدی** ادعا میشد که از سوی مراجع تقلید برای آقای طاهری صادر شد، مهر و امضای این مراجع در پای احکام فوق کپی و عنوان مذهبی و جایگاه آنان سوء استفاده ابزاری در مسائل سیاسی - امنیتی شد. این روش در دهه‌های گذشته به طور محرمانه از سوی کارشناسان در مورد عده‌ی زیادی از زندانیان عقیدتی به مورد اجرا گذاشته شده است و مراجع محترم تقلید بدون آنکه خود بدانند، آلت دست کارشناسان در جهت سرکوب این عده قرار گرفته‌اند.

۷- جعل کردن اسناد و مدارک، فایل‌های صوتی، دست‌نوشته‌ها

در این مورد کارشناسان در صورت لزوم، هرگونه سند و مدرکی را ساخته و به دادگاه ارائه می‌کنند. قاضی نیز هیچگونه توجهی به دفاع متهم مبنی بر جعلی و ساختگی آنها نمی‌کند.

برای مثال در مورد آقای محمدعلی طاهری همه‌ی مطالب مطرح شده در کیفرخواست بر اساس جزوه‌ای بود که از رایانه‌ی یکی از شاگردان موسسه به نام خانم شهناز نیرومنش به دست آمد. توضیح اینکه دفتر و منزل ایشان همزمان با دستگیری آقای طاهری مورد بازرسی قرار گرفت و مدت‌ها اسیر ما کارشناسان بوده و ماه‌ها برای گرفتن اسناد و مدارک تلاش می‌کرد که موفق به پس گرفتن آنها نشد. آقای طاهری هم در همان سال ۸۹ پس از ۶۶ روز، به قید وثیقه آزاد شد تا حدود ۹ ماه بعد که برای بار دوم بازداشت موقت شد اصلاً این جزوه را رو نکردیم. ولی پس از بازداشت و اطمینان از اینکه این خانم درست قبل از آمدن آقای طاهری به زندان، قید اسناد و مدارک خود را زده و به آمریکا مهاجرت کرده و دیگر قصد بازگشت به ایران را ندارد، ادعا کردیم که فایلی نوشتاری از رایانه ایشان به دست آمده که مطالب عقیدتی کیفرخواست آقای طاهری با استناد به این فایل تهیه شد، در حالیکه آقای طاهری اصلاً از محتوای آن هیچگونه اطلاعی نداشت.

۸- استفاده از خانه‌های تیمی بازجویی

کارشناسان، امور کارشناسی غیرمتعارف خود را در جهت وادار کردن متهم به اعترافات و مصاحبه‌های دیکته شده، در خانه‌های تیمی بازجویی انجام می‌دهند که تقریباً در هر محله‌ای از این منازل شخصی را در اختیار دارند که فاقد هرگونه تابلو و رفت و آمد رسمی است و همسایگان مجاور نیز از نوع فعالیت در آنجا بی اطلاع هستند و هر چند وقت، این منازل را عوض می‌کنند.

در مورد پرونده آقای محمدعلی طاهری

در سال ۸۹ پس از آزادی به قید وثیقه ایشان و دادن تعهد مبنی بر حضور در یکی از این ساختمان‌ها (واقع در رو به روی در شمال دانشگاه تهران - پلاک ۹۰) و گرفتن تعهد از وی مبنی بر عدم افشای این محل (که البته بعداً به دلیل لورفتن محل مجبور به تغییر آن شدیم)، به مدت چندین ماه و هفته‌ای چندین روز وی را تحت امور کارشناسی (بازجویی) قرار دادیم و از همین محل نیز مجدداً وی را در تاریخ ۹۰/۲/۱۴ به زندان اوین - بازداشتگاه ۲ - الف منتقل کردیم (بدون داشتن حکم جلب) و در سال‌های بعد نیز بارها با چشم بند از بازداشتگاه به مکان‌های نامعلومی منتقل و تحت بازجویی قرار دادیم.

همچنین همکاران من **همسر و دختر آقای طاهری** را نیز در مکانی واقع در تقاطع (خ ولیعصر - خ نیایش)، به نام مامورین وزارت اطلاعات (که البته نام وزارت اطلاعات را جعل کردند و کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه بودند)، تحت امور کارشناسی قرار دادند و با هتک حرمت، فحاشی، زدن ضربه به سر همسروی و ... آنها را وادار به نوشتن اقرار کذب دیکته شده نمود و از آنان تعهد گرفته‌اند که راجع به این مکان و نوع برخورد آنها چیزی را افشا نکنند و در جلسات بعد آماده انجام مصاحبه باشند.

۹- تهدید به دستگیری اعضای خانواده

یکی از شگردهای مهم کارشناسان برای اینکه زندانی را وادار به همکاری و ارائه اعترافات کذب دیکته شده و انجام مصاحبه بنمایند، تهدید به دستگیری اعضای خانواده و در مواردی هم صدمه رسانیدن به آنها و ... می‌باشد که موفق‌ترین شیوه به کار گرفته شده ما در طی چندین دهه گذشته بوده و تقریباً در مورد همه متهمین انجام می‌شود و همه آنها در نهایت تسلیم شده و خواسته کارشناسان را انجام می‌دهند.

گذشته از مواردی که برای آقای محمدعلی طاهری رخ داد که منجر به اقدام به خودکشی او شد و چند بار تکرار شد و در پستهای قبل به اجمال به آنها اشاره کردم، نمونه‌هایی از این شکل شکنجه نیز در این سالها داشته‌ایم از جمله، گوشی تلفن را به دست یک زندانی به نام آقای **محسن احمدیان** (مدیر فروش پتروشیمی) دادیم و به او گفتیم: گوش کن و ببین که هم اکنون در پشت سر دخترت در آمریکا هستیم، یا به آنچه می‌گوییم اعتراف کن و یا به دخترت صدمه می‌رسانیم و ... در نتیجه ایشان هم برای اینکه به دخترش صدمه‌ای نرسانند، طبق خواسته‌ی ما مبنی بر اعتراف دیکته شده عمل کرد.

۱۰- اعمال فشار و تهدید برای پذیرفتن و اعتراف به داشتن ارتباط نامشروع:

یکی از رایج‌ترین شگردهای کارشناسان برای ترور شخصیتی متهم و تخریب او در نزد خانواده و جامعه، مجبور کردن او به اعتراف زوری به داشتن ارتباط نامشروع، ازدواج پنهانی، همسر صیغه‌ای مخفیانه و ... می‌باشد که این روش را در مورد همه بدون استثنا پیاده می‌کنند و در پرونده همه زندانیان سیاسی - امنیتی به طور حتم، اتهام ارتباط نامشروع وجود دارد و شیوه این کار به این صورت است که با اغوا، فریب، فشار و تهدید زندانی را وادار می‌کنند تا به داشتن ارتباط نامشروع، ازدواج پنهانی و ... اعتراف کند و به او می‌گویند چون قصد داریم تو را آزاد کنیم لازم است مدرکی در دست ما باشد تا ضمانت همکاری با ما باشد که اگر خلف وعده کردی، آنگاه اعترافات را رسانه‌ای کنیم. اما پس از گرفتن اعترافات یا او را وادار به انجام کارهای دیگری می‌کنند که در جهت سناریوهای آنها باشد و یا با ارائه این اعترافات به خانواده متهم، زمینه اختلاف، جدایی و جنگ و جدال را در خانواده او ایجاد می‌کنند که باعث می‌شود خانواده، متهم را رها کرده و به این طریق او منزوی شده و دیگر کسی خارج از بازداشتگاه به فکر نجات او نخواهد بود و در این صورت، کارشناسان به منظور خود و تکمیل سناریوی مورد نظر و گرفتن سایر اعترافات و مصاحبه‌ها نزدیک‌تر می‌شوند. از طرف دیگر، به طور مداوم به متهم اخباری از خیانت و خوش گذرانی همسرش به او داده می‌شود و به این وسیله موجبات شکنجه روحی هر چه بیشتر او را فراهم می‌کنند تا روحیه او را به طور کامل در هم بکوبند.

اما در ارتباط با پرونده آقای محمدعلی طاهری:

در این مورد به شدت به آقای طاهری فشار وارد می‌کردیم که به دروغ بگوید همسر دومی نیز به طور مخفیانه دارد و به او می‌گفتیم که برای ما درست کردن شناسنامه و ارائه آن به همسرت کاری ندارد و زنی را هم که اسم او را در شناسنامه جعلی وارد کرده‌ایم به او معرفی می‌کنیم و حتی خانمی را هم طی یک صحنه‌سازی به او نشان دادیم و ... در ضمن به طور مرتب راجع به خوش گذرانی‌های اعضای خانواده آقای طاهری با شخص او صحبت می‌کردیم.

۱۱- تحقیر، هتک حرمت، فحاشی و به کار بردن الفاظ رکیک:

همکاران من و متأسفانه خود من این شیوه را به منظور در هم شکستن شخصیت متهم از یک طرف و فهمانیدن این موضوع به او که ما هیچ گونه پایبندی به اسلام، وجدان، اخلاق و ... نداریم و تهدیدهایی را که در مورد متهم به عمل می‌آوریم، به طور قطع انجام می‌دهیم. این کلمات و عبارات کاربرد مداوم و همه روزه دارد و جزء لاینفک کارشناسی می‌باشد تا به این طریق سریع‌تر به منظور خود برسیم.

در مورد کیس آقای محمدعلی طاهری

در این مورد ضمن تحقیر همه جانبه وی به عنوان فردی بی سواد و کسی که دیپلم هم ندارد، وی را با لباس بسیار گشاد و دمپایی بزرگ که امکان حرکت هم بسیار مشکل بود و بدون آنکه چندین ماه حمام برده باشند و بدون اصلاح مو و صورت و با قیافه‌ای مانند تارزان به دادگاه بردیم (سال ۹۰) تا بتوانیم تا سر حد امکان وی را مورد تحقیر قرار دهیم. در مورد ایشان تا همین امروز استفاده از الفاظ رکیک مانند نقل و نبات کاربرد مداوم دارد.

۱۲- اقدام به شستشوی مغزی به بهانه معالجات روانپزشکی

این روش در مورد برخی از متهمین که از طریق تهدید، اعمال فشار و شکنجه‌های جسمی و روحی نتوانسته‌اند آنها را وادار به اعتراف و مصاحبه نمایند و همچنین قبل از شروع جلسات دادگاه به منظور ایجاد فراموشی در متهم، تغییر ساختارهای فکری و ذهنی او و عدم توانایی او در دفاع از خود در دادگاه و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد که به طور عمده به صورت شیمیایی و تحت هر عنوان و بهانه‌ای و در هر محلی به خصوص در محل خانه‌های تیمی بازجویی صورت می‌گیرد.

در مورد آقای محمدعلی طاهری

همانطور که در برنامه تلویزیونی شبکه ۳ (به سوی حقیقت) با هماهنگی ما اعلام شد، تحت عنوان معالجات روانپزشکی به مدت هفت ماه این کار بر روی ایشان صورت گرفت که وی را با چشم بند به محلی می‌بردیم و در آنجا روش‌هایی بکار می‌رفت و حتی خود آقای طاهری نیز این روشها را به شکل دقیق به یاد نمی‌آورد و کلیتی از آن را به یاد دارد. این بحث شستشوی مغزی خاص را از برنامه شبکه ۳ در خرداد ۹۳ و همچنین برنامه رادیو جوان (راه و بیراه) به اسم درمان روانپزشکی کمی توضیح داده بودیم، همه اینها در حالی بود که آقای محمدعلی طاهری به شهادت هزاران نفر از شاگردانش و فیلم‌های کلاس‌هایش قبل از دستگیری، هیچگونه مشکل روانی و ذهنی نداشته است.

۱۳- تهدید قبل از جلسات دادگاه:

از شیوه‌های رایج کارشناسان، تهدید متهمین قبل از حضور در جلسه دادگاه است که فقط جواب سوالات قاضی را بدهند و از طرح مسائل متفرقه و نحوه دادرسی، افشاگری در مورد رفتار کارشناسان، چگونگی گرفتن اعتراف، مصاحبه‌ها و ... خودداری نمایند. در غیر این صورت ۱- اعضای خانواده را دستگیر و برای آنها پرونده‌سازی نموده و ... یا ۲- پرونده‌های جدیدی برای او مفتوح خواهند کرد و یا ...

در مورد کیس آقای محمدعلی طاهری

هر دو تهدید را عملی کردیم زیرا به تهدید ما قبل از جلسات دادگاه سال ۹۰ توجه نکرده و درباره اعمال و رفتار غیر اخلاقی، غیر انسانی کارشناسان در نزد قاضی پیرعباسی افشاگری نمود. (همچنین در جلسات دادگاه‌های سال ۹۳-۹۴) و کارشناسان همکار من نیز متأسفانه ضمن مفتوح کردن پرونده‌های متعدد و به جریان انداختن آنها با عوض کردن قاضی، بازپرس، کیفرخواست، حکم دادگاه، عناوین اتهامات و تطابق آن با قانون جدید (که بر علیه زندانیان سیاسی - امنیتی تدوین شده است) شروع به مقابله کردند. همچنین در سال ۹۲ همسر و دختر ایشان را همانطور که قبلاً عرض کردم به نام مأمورین وزارت اطلاعات (به دروغ) در خانه تیمی بازجویی تحت شرایط رعب و وحشت و توهین و افترا قرار دادند و در سال ۹۳ اقدام به دستگیری همسروی و درست کردن پاپوش پس از بازرسی از منزل مبنی بر پیدا کردن یک بطری آب انگور با الکل ۷٪ به مدت پانزده روز در سلول انفرادی بازداشتگاه ۲ الف نمودند.

در مجموع، هدف از این تهدیدها، خراب نشدن فیلم دادگاه بواسطه حرف‌های افشاگرانه متهمان است.

۱۴- وادار و مجبور کردن متهم به عدم دفاع از خود در دادگاه:

یکی دیگر از شگردها برای اینکه متهم آنگونه که باید و شاید در دادگاه از خود دفاع نکند و در فیلم دادگاه اینطور به نظر برسد که متهم در برابر قاضی، حرفی برای دفاع از خود نداشته و به طور ضمنی محکومیت خود را پذیرفته، مجبور کردن او به عدم دفاع از خود است که باز هم با تهدیدها و توسل به روش‌های مختلف انجام می‌شود. در بعضی از موارد نیز ممکن است متهم تحت اغوا و فریب قرار بگیرد و به او گفته شود در صورتی که در مقابل قاضی سکوت کند، آزاد می‌شود، زیرا با حرف زدن، قاضی ایرادات جدید گرفته و پرونده جهت تکمیل شدن به زمان طولانی‌تری نیاز پیدا می‌کند. در حالیکه قضات دادگاه انقلاب کاملاً با کارشناسان هماهنگ بوده و طبق سفارش آنها برای متهمین حکم صادر می‌کنند و در واقع نقش قاضی، فقط مهر و امضاء حکم است.

در این مورد به آقای محمدعلی طاهری گفته شد که به هیچ عنوان به فکر آزاد شدن نباشد که به فرض محال آزادی، تا به منزل نرسیده، ترور خواهد شد تا به این وسیله روحیه وی را در دفاع از خود تضعیف نمایند و او بداند که دفاع از خود، هیچ سودی برایش نخواهد داشت. این شگرد بیشتر بر روی متهمین عقیدتی پیاده می‌شود و بیشتر مایل هستند که در مورد این دسته از متهمین گفته شود که مطالبی برای دفاع از خود نداشته‌اند.

۱۵- اقدامات غیر قانونی در مورد دستگیری افراد:

دستگیری اکثر افراد سیاسی-امنیتی، بدون در دست داشتن حکم جلب انجام می‌شود و بدیهی است که حکمی نیز به هنگام دستگیری به آنها ارائه نمی‌شود. متهم را در زمان دستگیری به صورت غافلگیرانه احاطه و بدون جلب توجه به زور به داخل اتومبیل انداخته و از محل دور می‌شوند. در واقع پس از دستگیری فرد و بازرسی از منزل، دفتر کار و ... است که با درست کردن پاپوش مناسب در جهت مورد نظر و مرتبط با اتهاماتی که در نظر دارند بر روی آن مانور داده شود تبلیغ نمایند و همچنین بر اساس بازجویی اولیه (مجبور کردن فرد به پذیرش اتهامات مورد نظر و خود اقراری در مورد آنها) که در حداقل ۲۴ ساعت و حداکثر چند روز اول انجام می‌شود نسبت به صدور حکم جلب به تاریخ دستگیری به منظور تکمیل و بی‌عیب و نقص به نظر آمدن پرونده، اقدام نمایند (معمولاً سعی می‌شود که افراد را در روز چهارشنبه یا زمانی که چند روز قبل از آخر هفته، تعطیل است، دستگیر کنند تا بتوانند با اقدامات غیر قانونی، فرد دستگیر شده را به مرحله خود اقراری برسانند) تا به این وسیله ضعف اطلاعاتی و فقدان شواهد و مدارک را که به هنگام دستگیری فرد داشته‌اند، که اگر می‌خواستند بر اساس آن اقدام به دستگیری قانونی کنند، غیرممکن بود (با توجه به اینکه بدون وجود مدارک کافی بازپرس حق احضار و یا جلب کسی را ندارد)؛ بنابراین برای اینکه بتوانند دلایل و مدارک کافی به دست آورده و یا درست کنند، ابتدا به صورت غیر قانونی فرد را بازداشت و پس از تهیه کردن دلایل و مدارک با همکاری متهم از طریق تهدید خانواده‌ها، شگردهای دیگر راجع، نسبت به صدور حکم جلب با ذکر نوع اتهام و دلایل و مدارک (که قبل از دستگیری وجود نداشت) اقدام نمایند تا حکم جلب، قانونی به نظر برسد. درصد قابل توجهی از زندانیان سیاسی - امنیتی با این شگرد دستگیر می‌شوند و به این ترتیب ضعف شدید اطلاعاتی کارشناسان پوشش داده می‌شود.

راه دیگر وادار کردن متهمین به خود اقراری و همکاری با کارشناسان (در جهت تکمیل سناریو مورد نظر آنها)، درست کردن پاپوش، شواهد و اسناد و مدارک، صحنه سازی‌ها و ... می‌باشد که برخی از آنها نیز نشان دهنده نقاط ضعفی در شخصیت و زندگی شخص محسوب می‌شود و کارشناسان با تهدید متهم به وسیله این نقاط ضعف که خودشان درست کرده و یا بزرگنمایی نموده‌اند، با تهدید به بردن آبرو و حیثیت او در خانواده و جامعه (بستگی به موقعیت اجتماعی) او را وادار به خود اقراری و مصاحبه و ... نموده و به این وسیله در مورد همان مدارک جعلی هم از او اعتراف و مصاحبه می‌گیرند و به متهم می‌گویند که گرفتن این اعترافات و مصاحبه‌ها فقط برای اثبات همکاری است و از آن هرگز استفاده نمی‌شود (اعترافاتی مانند: داشتن ارتباط نامشروع، داشتن مشروبات الکلی، مواد مخدر، وسایل قمار، همکاری با گروه‌های معاند، سیاسی، تروریستی و ...)، اما پس از اتمام این روند، همه مدارک ضمن ضمیمه شدن به پرونده، به خانواده متهم نیز ارائه و در رسانه‌ها نیز مورد

سوء استفاده و ترور شخصیتی فرد قرار می‌گیرد.

به هر حال چارچوب کارشناسی از یک طرف متکی به خود اقراری است و از طرف دیگر سوء استفاده از اتهامات حیثیتی (که در اصل هیچ ارتباطی به کارشناسان امنیتی ندارد) به منظور ترور شخصیتی و با این ترتیب برای دستگیری هر کسی که به هر دلیلی لازم بدانند، منتظر به دست آوردن مدارک قانونی لازم نمی‌شوند و با دستگیری افراد، نسبت به تهیه مدارک به شیوه‌های یاد شده به هر نحو ممکن اقدام می‌کنند و در مواردی هم که بنا به صلاح‌دیدهایی، حکم جلب برای دستگیری متهم صادر شود، باز هم از فرصت اولیه تا تفهیم اتهام، از شگرد های فوق الذکر برای وادار کردن فرد به خود اقراری و ... استفاده می‌کنند که در این موارد تهدید خانواده (که برای متهم مانند کابوس وحشتناک و شوک غیر قابل تصویری می‌باشد) جزء لاینفک کارشناسی می‌باشد. اما اگر هیچ کدام از این شگردها به نتیجه نرسند، باز هم برای آنها مشکلی نیست، زیرا در این حالت زمان دادگاه را تا حد امکان به تاخیر می‌اندازند حتی تا چند سال تا در خلال این مدت بتوانند از این شگردها برای رسیدن به نتیجه مطلوب مورد نظر خود، استفاده کنند و مدارک را برای ارائه به افکار عمومی فراهم کنند (در صورت نیاز) ولی اگر اختصاص این مدت زمان هم نتواند کارگشا باشد، باز هم اشکالی پیش نمی‌آید، زیرا دادگاه‌های انقلاب خود را ملزم به ارائه دلیل و مدرک برای اثبات جرم متهم نمی‌دانند و با پرسش سؤالاتی (بسته به متهم و نوع اتهام انتسابی) ختم دادگاه را اعلام و پس از چندین ماه رای را صادر می‌کند و در صورت اعتراض متهم، پس از گذشت مدت های مدید، دادگاه تجدید نظر هم به طور قطع رای صادره از دادگاه انقلاب را تایید می‌کند.

در مورد کیس آقای محمد علی طاهری :

روشهای ذکر شده در پست قبل به اشکال گوناگون در مورد ایشان مورد آزمایش گذاشته شد و تلاش های بسیار زیادی به عمل آوردند تا به نتیجه مطلوبی منجر شود. اما در خیلی از این شیوه های کثیف علیرغم اختصاص وقت و نهایت مکر و حيله، موفقیت چندانى کسب نکردند. برای مثال، با همه تلاش و حقه‌ای که برای چسباندن ارتباط نامشروع به وی بواسطه اهمیت بسیار زیادی که در زمینه ترور شخصیتی برای کارشناسان داشت، نتوانستند به نتیجه دلخواه برسند و در نهایت مجبور شدند از بریده یک دقیقه‌ای که از فیلم های مستند آموزشی موسسه عرفان حلقه استفاده کنند که در آن آقای طاهری در حال آموزش عملی یکی از دوره‌ها بر روی خانمی که به منظور رفع مشکلات ذهنی خود به همراه همسرش در کلاس حاضر شده و در حضور چهارصد نفر این تحقیق آموزشی مستند انجام شده بود و چون این خانم تعادل ذهنی نداشته، برای جلوگیری از بهم خوردن تعادل او، به ناگاه میچ دستش را گرفت و درمان بر روی او صورت گرفته است. اما این قطعه فیلم مستند، توسط کارشناسان از طریق کلیه رسانه ها هم به عنوان ارتباط نامشروع (بواسطه لمس نامحرم که در دادگاه تفتیش عقاید سال ۹۰، قاضی پیر عباسی برای آن ۷۵ ضربه شلاق تعیین

حد کرد!) و هم به عنوان اقدام به جن‌گیری پخش و وسیله انجام تبلیغات سوء و سمپاشی‌های گسترده قرار گرفت. (در حالیکه هرگز چنین اصطلاحی از زبان آقای طاهری شنیده نشده است) و هرچه وی به کارشناسان اصرار کرد، این فیلم مستند را به صورت کامل پخش نکردند که مبادا دروغ‌های آنان آشکار شود.

همچنین در مورد اعمال فشارهای مختلف جهت گرفتن اعترافات و مصاحبه‌های زوری دیکته شده درباره مستند کردن پاپوش‌های سیاسی- امنیتی، در چند روز اول به نتیجه نرسید، از شگرد استفاده از مهلت بازداشت موقت بهره‌برداری کردند که فقط موفق به گرفتن یک مصاحبه دیکته شده زوری کذب مبنی بر قانونی نبودن فعالیت موسسه اش شدیم که از آن برای ضمیمه شدن به پرونده و فراخوان شاکی خصوصی بهره‌برداری شد (لازم به ذکر است که آقای طاهری در دادگاه دیکته و زوری و کذب بودن آن را اعلام و از درجه‌ی اعتبار قانونی ساقط شد) و چون این مصاحبه به هیچ وجه برای پوشش دادن همه پاپوش‌های سیاسی- امنیتی به کار گرفته شده کافی نبود، از شگرد عقب انداختن موعد دادگاه استفاده شد تا بتوان فرصت کافی برای درست کردن مدارک در اختیار داشته باشیم، تا بتوان برای مستند کردن جلسات دادگاه و فیلمبرداری از آن و پخش در رسانه‌های مختلف مورد استفاده قرار دهیم، اما به دلیل اینکه صرف این مدت نیز برای کارشناسان فایده‌ای نداشت از شگرد برگزاری دادگاه بدون ارائه مدرک و نقض اصل برائت بهره‌برداری کردند که در آن قاضی فقط چند سوال پرسید و بدون ارائه هر گونه مدرکی دال بر محکومیت، آخرین دفاع را در قبال اتهامات گرفته و چند ماه بعد رای دادگاه را صادر کرد که با اعتراض آقای طاهری، رای به دادگاه تجدید نظر رفت و چندین ماه بعد دادگاه تجدید نظر هم رای دادگاه را تایید کرد (طبق روال جاری، دادگاه تجدید نظر به ندرت رای دادگاه انقلاب را رد می‌کند)؛ اما به دلیل اینکه در این دادگاه آقای طاهری از اعمال شکنجه‌های جسمی و روانی صورت گرفته و رفتارهای غیر قانونی و غیر انسانی کارشناسان پرده برداشت و افشاگری نمود و از طرف دیگر، قاضی نیز مدرکی دال بر محکومیت وی در اختیار نداشت، فیلم دادگاه جهت پخش از رسانه‌ها و سم پاشی و ... به هیچ عنوان برای کارشناسان قابل استفاده نبود و فقط باعث رسوایی بیشتر کارشناسان می‌شد. از اینرو از شگرد عوض کردن قاضی، بازپرس، کیفرخواست، حکم دادگاه، عناوین اتهامی و تطابق آنها با قانون جدید (که فشار مضاعفی بر متهمین سیاسی- امنیتی وارد می‌کند) استفاده شد و اتهامات را از نو احیاء و همه آنچه را که به علت فقدان دلائل و مدارک رد شده مجدداً به جریان انداختیم (در قانون جدید برای این قبیل امور دست کارشناسان باز گذاشته شده است).

من از دل زندان اوین، از دل قرارگاه ثار الله، از دل بند دوالف برای شما مینویسم. شاید خودم از این زندان خودساخته رها شوم. من تاریخ گویای شکنجه‌های آقای محمدعلی طاهری شده‌ام. مرا بخوانید و معرفی کنید.

در مورد آقای محمدعلی طاهری

در ادامه پست قبل، کارشناسان با به تاخیر انداختن دادگاه تا تاریخ ۹۳/۱۲/۲۰ و تاریخ ۹۴/۲/۹ نتوانستند هیچگونه دلیل و مدرکی برای اثبات اتهامات کذب انتسابی وی بسازند که بتوانند آن را از طریق رسانه‌ها به نمایش بگذارند، ضمن اینکه در دادگاه شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی احمدزاده بدون رعایت اصل برائت و (البینه علی المدعی) و بدون ارائه هرگونه سند و مدرکی برگزار شد و آقای طاهری ضمن دفاع از نقطه نظرات فکری خود نسبت به اتهامات کذب و پاپوش‌های ساخته شده، اقدام به افشاگری در خصوص رفتار غیر انسانی و غیر قانونی کارشناسان نمود که به طور مداوم در دادگاه با اعتراض یکی از نمایندگان دادستان مواجه می‌شد که اصرار می‌ورزید تا جلوی افشاگری وی گرفته شود. به هر حال در نهایت، آنها به فیلم دادگاه و دفاعیات وی که بتوانند با آن اقدام به لجن مال کردنش بکنند، دست پیدا نکردند.

در نتیجه چند ماه بعد قاضی احمدزاده حکم اعدام آقای طاهری را صادر کرد در حالی که دلایل صدور این حکم بطور عمده جعلی بود، از جمله ادعا شده بود که کارشناسان به هنگام دستگیری وی مبلغ (دو میلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان) موجودی نقدی از بانک‌های سرتاسر کشور متعلق به او کشف و توقیف کرده‌اند؛ (در حالیکه این ادعا دروغ محض بود و موجودی نقدی آقای طاهری فقط بیست و هفت میلیون تومان بوده است). به دلیل کذب بودن دلایل صدور حکم اعدام، این حکم به خود وی ابلاغ نشد و در اختیار وکیلش قرار گرفت که او نیز از این جزئیات بی اطلاع و قادر به دفاع نبود و برای ملاقات با آقای طاهری هم با مشکلات زیاد رو به رو و برای گرفتن جواب و دفاع او فقط بیست دقیقه وقت داده شد که به هیچ وجه برای پاسخگویی به جزئیات همه موارد حتی خواندن حکم هم کافی نبود و علیرغم هفتاد روز اعتصاب غذای آقای طاهری کارشناسان حاضر نشدند تا حکم را به او ابلاغ کنند تا دروغ گوئی‌هایشان آشکار نشود.

(در آئین نامه دادرسی جدید پیش بینی شده که اینگونه موارد که دلایل صدور حکم، بخصوص حکم اعدام، که اکثراً ساختگی و کذب هستند، به متهم سیاسی-امنیتی ابلاغ نشود و فقط در اختیار وکیل گذاشته شود تا متهم نتواند جعلی و کذب بودن حکم را طی دفاعیه خود آشکار کند و وکیل هم که از مسائل شخصی متهم خبر ندارد که بتواند در مقابل دلایل صدور حکم کذب از او دفاع کند و بر فرض اطلاع هم به او اجازه نمی‌دهند که در مقابل حکم صادره از دادگاه انقلاب ایستاده و اعلام کند که دلایل صدور حکم جعلی و کذب است. البته باز هم در آئین نامه دادرسی جدید پیش بینی شده برای محکم کاری بیشتر، وکیل متهمین سیاسی-امنیتی مورد وثوق قوه قضائیه باشد تا اطمینان کامل از عدم افشای نقض حقوق بشر و ... از طرف متهمین در دفاعیه‌ها به عمل آید و فقط وکلا حق نوشتن برخی از دفاعیه‌ها را داشته باشند).

چند ماه بعد در دیوان عالی کشور، شعبه ۳۳ به ریاست قاضی نیازی حکم اعدام ماهیتاً نقض شد

و برای اتهامات انتسابی از قاضی صادر کننده حکم اعدام، اقامه دلیل و مدرک خواسته بودند، در حالیکه اگر دلایل و مدارکی وجود داشت، سال ها قبل در دادگاه ارائه می کردند و هم اکنون باز هم آقای طاهری را در بازداشت موقت نگه داشته اند با این امید که بتوانند این پاپوش ها را به طریقی سرو سامان ببخشند.

۱۶- فرمول پرونده سازی برای متهمین سیاسی - امنیتی :

پرونده این دسته، در واقع یک بسته (پکیج) حساب شده می باشد که هدف اصلی آن، ترور شخصیتی و بی آبرو کردن متهمین است و اینکه بتوانند در جامعه او را بی اعتبار و لجن مال کنند و در مرحله بعد بتوانند به راحتی او را حذف کنند که یا به صورت حذف به ظاهر قانونی است (مانند اعدام) و یا اینکه چنان او را بی حیثیت کنند که دیگر نتواند در عرصه اجتماع خودنمایی کند و در صورت بی حیثیت کردن فرد، دیگر کسی از او حمایت و دفاع نمی کند و حقیقت چنان وارونه جلوه می نماید که هیچکس در مورد توطئه و دسیسه های پشت پرده با خبر نشده و در مورد رعایت عدالت، دچار کوچکترین شک و تردیدی نمی شود. اما دسته بندی عناوین اتهامات این دسته از متهمین صرف نظر از ترتیب و درج در پرونده، به ترتیب اهمیت برای کارشناسان عبارتند از:

- **دسته اول:** اتهاماتی که باعث ترور شخصیتی و بی اعتبار شدن فرد در نزد خانواده و اجتماع می شود. مانند داشتن ارتباط نامشروع بطرق مختلف، نگهداری و مصرف مشروبات الکلی، مواد مخدر، داشتن لوازم لهو و لعب و ...

- **دسته دوم:** اتهاماتی که باعث می شود کسی جرات نزدیک شدن به پرونده به منظور مداخله، پیگیری، پادرمیانی و ... را پیدا نکند. مانند، هواداری از جریانات سیاسی خاص، وابستگی به گروه های معاند و حمایت از گروه های تروریستی.

- **دسته سوم:** اتهاماتی که نشان دهنده فساد مالی متهم باشد. مانند، کسب مال نامشروع، رشوه و ارتشا، اختلاس و ...

- **دسته چهارم:** تراشیدن شاکی های خصوصی در جهت نشان دادن اینکه متهم شیاد و کلاهبردار است و کسانی را به اسم مردم با متهم درگیر کنند.

- **دسته پنجم:** طرح اتهامات اصلی به منظور تحقق بخشیدن به شعارهایی که نظام به صورت سالیانه و فصلی و موسمی مطرح می کنند. مانند، تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، مفاسد اقتصادی، ولنگاری فرهنگی، نفوذ، حقوق های نامتعارف و ... (که در برخی مواقع، تحقق این شعارها، در اصل جهت دادن به رقابت ها، نزاع ها، اختلاف ها و سایر موارد درون گروهی و خارجی است که زمینه پیروزی و یا شکست جناحی را برای انتخابات آینده فراهم می کند. مانند، حقوق های نامتعارف که همواره وجود داشته ولی در این باره به دلایلی در تیررس شعارها قرار گرفته است).

- **دسته ششم:** اتهامات ایدئائی، این دسته اتهاماتی هستند که قرار است تا اطلاع ثانوی مفتوح

باقی بمانند، تا متهم امکان رهایی از بازداشت موقت را پیدا نکرده و دستش همواره زیر ساطور کارشناسان قرار داشته باشد و با عوض کردن این اتهامات متهم را مداوم در حبس نگه دارند.

-دسته هفتم: اتهامات متفرقه که بسته به متهم، مسائل پیرامون او، سوابق و غیره به او جیبانیده می شود.

بسیاری برای من در فیس بوک پیام فرستاده اند که خود را معرفی کن تا باور کنیم. در پاسخ باید عرض کنم:

۱- اگر قرار است با عدم معرفی، نوشته هایم را که اعتراف به همه آنها برای خود من هم سخت بوده و هست، باور نکنید، از من کاری بر نخواهد آمد و تاریخ ثابت خواهد کرد که کدام موردی را که اشاره کرده ام صحت دارد و کدام ندارد.

۲- تمام تلاش کارشناسان پرونده آقای محمدعلی طاهری، گرفتن حکم اعدام وی است و این برهه را حساسترین برهه برای ایشان میدانم. معتقدم اگر کاری می شود برای وی کرد زمانش همین الان است و نه وقت دیگر. بعد از این همه سال تلاش برای نابودی وی، با خود اندیشیدم شاید با انتشار این مجموعه، ذره ای از بارگناهان خودم را کم کنم.

۳- من خودم درسهایی که باید را خوانده ام و میدانم چطور بنویسم که شناخته نشوم، قطعاً بسیاری از حرفها که خودم به تنهایی شاهدش بودم را سانسور کرده ام تا لو نروم. از آنطرف خیلی جاها مجبور به تغییر ادبیات و کلی گویی هستم.

در مجموع محتوای عرایض اهمیت دارد و بار من را سبک می کند و نه نام و مشخصات من.

در مورد پرونده آقای محمدعلی طاهری:

همه مواردی که در پست قبل عرض کردم، در مورد آقای محمدعلی طاهری پرونده سازی شده است. در اتهامات

- **دسته اول:** داشتن ارتباط نامشروع (از طریق لمس نامحرم)
- **دسته دوم:** عضو سازمان چریک های فدائی خلق ایران و ترور
- **دسته سوم:** کسب مال نامشروع، تکثیر CD آموزشی غیر مجاز
- **دسته چهارم:** دو سه نفر شاکی خصوصی حمایت و هدایت شده با ادعاهای بی پایه و اساس.
- **دسته پنجم:** تهاجم فرهنگی، تشکیل فرقه و ...
- **دسته ششم:** مفتوح گزاردن پرونده هایی مانند عضویت در سازمان چریک های فدائی خلق ایران و شاکیان خصوصی دیگر (که پرونده های آنها در طی چندین سال گذشته، تجمیع و رسیدگی نشده است)، ترور (صحنه سازی).
- **دسته هفتم:** از آنجا که آقای طاهری گویا در سال های ۵۴ و ۵۵ نفر اول مسابقات علمی سراسری

کشور شد و در سال ۵۵ جایزه اول شامل حواله بورس تحصیلی را در کاخ نخست وزیری توسط **هویدا** (نخست وزیر وقت) و جایزه دوم را نیز شامل حواله بورس تحصیلی در سال ۵۶ در کاخ نخست وزیری توسط **جمشید آموزگار** (نخست وزیر وقت) دریافت کرد، کارشناسان که در بازرسی از منزل، مدارک و عکس‌های مربوطه را ضبط کردند، بدون اینکه به توضیحات مندرج در این مدارک توجه کنند بواسطه دریافت جایزه از دست نخست وزیران وقت، اتهام همکاری با رژیم سابق را بدون داشتن هرگونه سند و مدرکی به اتهامات مورد نظر خود اضافه کردند.

اکثر پرونده‌های متهمین سیاسی - امنیتی دارای موارد فوق الذکر هستند و کمتر متهمی است که در پرونده او، همه این موارد را تدارک ندیده باشند (بستگی به فرد و موقعیت او و اهمیتی که در سناریوی کارشناسان دارد). در پاسخ به هر اعتراضی گفته میشود که مگر امکان دارد استعلامی را که حراست صادر کند، غلط باشد و این را به منزله توهین به نظام قلمداد می‌کنند.

در مورد اخذ استعلام‌های سفارشی در ارتباط با آقای محمدعلی طاهری، کارشناسان اظهار می‌کردند که در پاسخ به استعلام‌های به عمل آمده از طرف **بازپرس اسدی** (شعبه پنجم دادسرای شهید مقدس - اردیبهشت ۹۰)، حراست آموزش و پرورش پاسخ داده که آقای محمدعلی طاهری دبیرم ندارد و وزارت علوم پاسخ داده که دکترهایش فاقد اعتبار هستند (این مدارک طبق تحقیقات ما یا در مسابقات بین المللی کسب شده بود و یا از طریق ارسال مقالات و تحقیقات به دانشگاه دریافت شده مانند «دانشگاه طب سنتی ارمنستان» و یا ابراز تمایل دانشگاهی برای انجام فعالیت مشترک بر روی حوزه تحقیقاتی به عمل آمده صورت گرفته، مانند «دانشگاه اکو انرژی جمهوری آذربایجان» که همه میدانستیم در هر صورت، مدارک، دارای تأییدات لازم از جمله تأیید سفارت ایران در کشور محل برگزاری مسابقات یا صادر کننده مدرک، وزارت امور خارجه، سفارت کشور محل برگزاری مسابقات یا صادر کننده مدرک در ایران، ترجمه رسمی و تأیید دادگستری بودند. لازم به ذکر است که این مدارک جهت اخذ تأییدیه به وزارت علوم ارائه شد ولیکن وزارت علوم اعلام نمود که فقط مدارکی را مورد ارزشیابی قرار می‌دهد که نام دانشگاه و رشته تحصیلی جزء لیست آن وزارتخانه باشد و مدارک کسب شده در مسابقات بین المللی از آنجا که فاقد نام دانشگاه هستند، نیاز به اخذ تأییدیه از وزارت علوم ندارند و شناسنامه این مدارک خود گواه ارزش آنهاست. همچنین مدارک با رشته طب مکمل صادره از جمهوری آذربایجان و ارمنستان جزء لیست رشته‌های دانشگاهی آن وزارتخانه نیست. بنابراین، قابل ارزشیابی نیستند).

حراست ثبت شرکت‌ها و موسسات پاسخ داده که موسسه عرفان کیهانی (حلقه) ثبت نشده و فاقد اعتبار قانونی است و هیچگونه مجوزی هم ندارد (در حالیکه همه میدانستیم **اولا**، روزنامه رسمی مدرک معتبر ثبت این موسسه می‌باشد. **ثانیا**، ثبت یک موسسه نیاز به مجوز دارد، بنابراین اگر روزنامه رسمی گواه ثبت موسسه فوق الذکر می‌باشد، پس دارای مجوز بوده است. **ثالثا**، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست **قاضی پیرعباسی** در سال ۹۰، حکم انحلال این موسسه را صادر

کرد که این خود نشان دهنده قانونی بودن موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه می باشد).
حراست وزارت دفاع پاسخ داده که آقای طاهری هرگز در وزارت دفاع مشغول به فعالیت نبوده
است (در حالیکه طبق تحقیق ما مدت پنج سال در زمینه طراحی و ساخت سلاح های انفرادی
در صنایع جنگ افزارسازی فعالیت داشته است).

حراست سازمان پزشکی قانونی پاسخ داده که **فرا درمانی** ریشه علمی ندارد (با توجه به اینکه طبق
نظر کارشناسان علمی طب مکمل، هیچ رشته طب مکملی ریشه علمی نداشته و فقط با توجه به
نتایج حاصل از آن و آزمایشات مورد ارزیابی قرار می گیرد).

حراست **دانشگاه های تهران و علوم پزشکی ایران**، پاسخ دادند که هیچگونه دوره ای در مورد
فرا درمانی و سایمنتولوژی در این دانشگاه ها برگزار نگردیده و مدرکی نیز جهت شرکت در دوره های
فوق صادر نشده است (در حالیکه گذشته از وجود تفاهم نامه های همکاری بین دانشگاه های
فوق الذکر و موسسه عرفان کیهانی حلقه که اثبات کننده کذب بودن این استعلام می بود که توسط
ما کارشناسان ضبط شد، فیلم کلیه دوره ها و سخنرانی روسای دانشکده های برگزار کننده در
مراسم افتتاحیه در اختیار همه قرار دارد و مدارک شرکت در دوره، از طرف آموزش های آزاد
دانشگاه های فوق صادر شده است).

حراست وزارت ارشاد پاسخ داد که سه جلد کتاب آقای طاهری و مجلات و ویژه نامه های منتشره،
فاقد مجوز بوده اند (در حالیکه می دانستیم همگی دارای مجوز بوده اند).

در ادامه صحبت در مورد استعلام های سفارشی، بنابراین با شگرد ارائه استعلام های سفارشی، نه
متهم جرات نفی آنها را دارد و نه وکیل و در صورتیکه وکیل هم بخواهد آن موارد را خود تحقیق کند،
از آنجا که این استعلام ها سفارشی بوده و هماهنگ شده و کلیه مدارک نیز جمع آوری گردیده است،
نهایتا به نتیجه ای نمی رسد. همچنین با توجه به اینکه کلیه اسناد و مدارک مربوط به زندگی متهم
از محل زندگی، کار و ... جمع آوری و ضبط گردیده، امکان دسترسی متهم، بستگان، وکیل و ... به
چنین مدارکی برای اثبات ساختگی و سفارشی بودن استعلام ها بسیار دشوار می باشد و فقط از
پیدا شدن اتفاقی بعضی از مدارک ممکن است، ثابت شود که استعلام ها سفارشی و ساختگی است
(برای مثال در مورد آقای محمدعلی طاهری نام وی به عنوان طراح و سازنده سلاح در خاطرات
آقای هاشمی رفسنجانی که وی را به وزیر دفاع وقت معرفی نموده، ذکر شده است که ثابت می کند
حراست وزارت دفاع با هماهنگی با کارشناسان، پاسخ استعلام را مطابق سفارش آنها صادر نموده
است. یا اسناد پیدا شده از کتابخانه ملی کسب رتبه نخست در مسابقات سراسری علمی در رژیم
سابق را به اثبات می رساند و در نتیجه داشتن مدرک دیپلم و ... همگی ثابت شد).

قضات دادگاه انقلاب اسلامی همگی با چارچوب های فوق، آگاهی کامل داشته و از هماهنگی های
لازم با کارشناسان برخوردارند و به خوبی می دانند که اکثر استعلام هایی که کارشناسان به آنها ارائه
می کنند، سفارشی و کذب هستند. زیرا در خیلی از موارد متهمین از جمله خود آقای طاهری، در

این مورد به آنها توضیح می‌دهند ولی قضات هیچگونه توجهی نمی‌کنند. در اصل این قضات فقط ماشین امضا هستند و براساس نظر کارشناس رای صادر کرده و هیچ ابایی برای دادن حتی حکم اعدام هم ندارند و در صورت سرپیچی از نظرات کارشناسان اخراج خواهند شد. بازپرس هم در سمت قانونی خود، به عنوان ابزاری برای هموار کردن راه‌های غیرقانونی و غیرانسانی کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه در جهت صدور حکم بازداشت غیرقانونی و بدون مدرک، تمدید بازداشت موقت، تنظیم کیفرخواست و اخذ استعلام‌های سفارشی در خدمت آنان می‌باشد.

۱۷- درست کردن شاکی خصوصی:

یکی از شگردهای ترور شخصیتی و تخریب متهمین سیاسی- امنیتی، درست کردن شاکی خصوصی علیه آنهاست که البته به طور عمده سعی می‌شود این شاکی‌ها بیشتر در زمینه‌های حیثیتی سر و سامان داده شوند. اولین اقدامی که در این زمینه می‌شود، بازجویی و تحقیق از متهم و سیستم‌های اطلاعاتی در مورد سابقه پرونده‌های او در زمینه شاکی و متشاکی بودن در هر زمینه‌ای در کلانتری‌ها، دادسراها، دادگاه‌ها و ... سراسر کشور می‌باشد که از چه کسانی شکایت کرده و همچنین چه کسانی از او شاکی بوده‌اند؟ سپس با شناسائی و فراخوان این افراد و تحریک و حمایت و پشتیبانی، یک جبهه متحد از همه آنها اعم از شاکی یا متشاکی بوجود آورده و با اعمال نفوذ و حمایت‌های قانونی و سفارشی، پرونده‌ها را از بایگانی خارج و مجدداً به طرق مختلف از جمله اعاده دادرسی به جریان انداخته و تجمیع می‌کنند تا هم پرونده متهم تا حد امکان سنگین شود به طوریکه مطالعه و رسیدگی به آن به ماه‌ها و سال‌ها وقت نیاز داشته باشد («وقت»ی که کارشناسان برای پرونده‌سازی به آن نیاز دارند) ضمن اینکه پای به اصطلاح مردم را به عنوان شاکی خصوصی به پرونده سیاسی - امنیتی باز کرده است و هم اینکه از این شگرد برای ترور شخصیتی متهم نهایت استفاده به عمل می‌آید. در حالیکه این پرونده‌ها هیچگونه ارتباطی به اتهام اصلی که به عنوان پاپوش سیاسی - امنیتی برای فرد درست کرده‌اند، ندارد. ولی با تجمیع این پرونده‌ها و جمع کردن افراد، جوسازی و سیاه‌نمایی، چنان وضعیتی را درست می‌کنند که حقیقت ماجرا در این هیاهوها گم شود و هر کسی در وهله اول تصور کند که متهم، انسان شارلاتانی است. ولی اگر این پرونده‌ها مورد رسیدگی قرار بگیرند، سیاه‌نمایی و جوسازی ناشی از آن کاملاً محرز و آشکار می‌گردد که متأسفانه قاضی دادگاه انقلاب اسلامی چنین کاری را نخواهد کرد، بلکه خود نیز به طرقی آن را تشدید و پراهمام می‌کند.

همچنین شگرد دیگر در این رابطه، شناسایی دشمنان متهم، اعم از بستگان و غیره نیز در دستور کار قرار می‌گیرد و کارشناسان موقعیت‌های مناسبی برای این قبیل افراد جهت انتقام جویی از او فراهم می‌کنند تا بتوانند از طریق این افراد، استشهادها، شهادت‌ها، گزارشات و ... کذب و ساختگی

بر علیه متهم تهیه و پیرونده را باز هم حجیم تر کنند. یا اگر متهم با اشخاصی شراکت، قرارداد و ... داشته و یا واحدهایی را اجاره داده باشد چه از طرف خود و چه با وکالت از طرف دیگران، کارشناسان با مراجعه به این افراد و به کار بردن روش های کثیفی، زندگی متهم را به کلی مختل می کنند. برای مثال: ضمن تماس با مستاجرین به آنها اعلام می کنند واحدهای مورد اجاره آنها در حال مصادره شدن می باشند، می توانند اجاره خود را به مالک پرداخت نکنند و در حراج ملک، آنها برای خرید حق تقدم دارند و ... یا شرکا را با ارائه مدارک جعلی، پاپوش ها و شواهد ساختگی به آنها نشان می دهند که متهم، انسان کثیف، خلافکار، شیاد و غیر قابل اعتماد است و به این طریق آنها را به طغیان علیه او وامی دارند و صدها شگرد شیطانی دیگر در این زمینه ها به کار می برند تا بتوانند جنگ روانی همه جانبه ای را برای متهم ایجاد کرده و او در محاصره مشکلات بسیار زیادی قرار گرفته و اصل کار از دستش خارج و نتواند به خوبی از خود دفاع کند و چون همه مدارک، وکلانامه ها، اجاره نامه ها، قراردادها، مبیعانه ها و ... در زمان بازرسی از منزل، محل کار و ... متهم توسط کارشناسان جمع آوری و ضبط گردیده، بستگان او نمی توانند برای حل و فصل مشکلاتی که بر اثر این اقدامات ایجاد می شود، کاری انجام دهند (البته برای جدا شدن بستگان هم که شگردهای خاص و مشابه دارند) و این معضلات تا مدت ها گریبانگیر متهم و اطرافیان او خواهد بود. اما از طرف دیگر، به موازات پیاده کردن این شگردها، کارشناسان با پخش بریده هایی از مصاحبه هایی که به زور، تهدید و ... از متهم گرفته اند، از اخبار تلویزیون و سایر رسانه ها و معرفی او به عنوان شیاد، کلاهبردار و ... از مردم می خواهند تا اگر کسی شکایت دارد مراجعه کند که ضمن ترور شخصیتی، فرصتی ایجاد می کنند تا افرادی را هم که مورد نظرشان است در میان شاکیان جا زده، بدین طریق جوسازی و سیاه نمایی را به طریق حساب شده ای هدایت و مدیریت کنند.

به هر حال این شگردها از چنان پیچیدگی هایی برخوردار است که سال ها طول خواهد کشید تا همه ی ابعاد و ریزه کاری های آن برای همه مردم آشکار شود. کارشناسان اساسی ترین ضربه را در این زمینه ها از طریق خانواده و بویژه توسط همسر متهم به او وارد می کنند و با ارائه مدارک جعلی و انواع و اقسام پاپوش ها، درست کردن شناسنامه و استفاده از اشخاص و افراد مزدور و ... او را به عنوان هرهزه، عیاش و ... که به طور مخفیانه در خلال سال ها زندگی مشترک در حال خوشگذرانی بوده، معرفی می کنند و با این روش، زمینه جدا شدن اعضای خانواده را از متهم و ارائه دادخواست طلاق، به اجرا گذاردن مهریه و انواع و اقسام شکایات و برانگیختن خانواده همسر را بر علیه او فراهم می کنند (هدف از این شیوه، ضمن ایجاد جنگ روانی برای متهم، منزوی کردن او و قطع کمک و دفاع و دادخواهی اطرافیان بخصوص اعضای خانواده از او می باشد که تقریباً در مورد همه اجرا می شود و در اکثریت موارد با موفقیت رو به رو بوده است و خانواده های بسیاری از متهمین سیاسی - امنیتی با این شگردها متلاشی شده و متهم منزوی و تنها باقی مانده و کارشناس به راحتی او را تار و مار کرده اند، بدون آنکه اطرافیان معترض شوند). از طرف دیگر به

طور مداوم به او می‌گویند که همسر و فرزندانش در حال خوشگذرانی هستند و همسرش در حال خیانت به اوست و ... تا از این طریق شکنجه روحی و جنگ روانی را برایش به حداکثر رسانده و متهم را به سرحد جنون برسانند و از این طریق بهتر بتوانند او را وادار به همکاری نمایند. لازم به ذکر است، کلیه موارد فوق الذکر در مورد آقای محمدعلی طاهری به مورد اجرا گذارده شده ولی آنطور که در نظر داشتند به نتیجه مطلوب نرسیدند.

۱۸- عدم رعایت اصل برائت در دادگاه‌های انقلاب:

در دادگاه، اصل (برائت) و اینکه همه بیگناه هستند مگر اینکه خلاف آن در دادگاه صالحه به اثبات برسد و همچنین اصل (البینه علی المدعی) (ارایه دلیل و مدرک با مدعی است به عبارت دیگر مدعی باید گناهکار بودن متهم را ثابت کند و دلیل و مدرک ارایه نماید) کاملاً بی معنی است و هیچ گونه دلیل و مدرکی از طرف دادگاه مبنی بر محکومیت متهم ارائه نمی‌شود و قاضی فقط از متهم سوال می‌کند که آیا اتهامات انتسابی را قبول دارد یا خیر؟ و نهایتاً چند سوال هم می‌پرسد و از او می‌خواهد تا آخرین دفاع خود را بنویسد و ختم جلسه دادگاه را اعلام می‌کند و چند ماه بعد نیز حکم محکومیت فرد صادر می‌شود، بدون آنکه دلیل و مدرکی دال بر محکومیت او ارائه شده باشد. اکثر محاکمات دادگاه انقلاب محرمانه و پشت درهای بسته برگزار می‌شود و هرگز کسی تبریئه نمی‌شود، زیرا این اصل بر فعالیت کارشناسان حاکم است که (ما هرگز اشتباه نمی‌کنیم)، بنابراین هرکسی را که کارشناسان دستگیر کنند، بطور قطع مجرم است (از دیدگاه آنان و بر طبق سناریویی که برای او در نظر دارند). طبق گفته کارشناسان صدور حکم از طرف قاضی فقط بر اساس گزارش آنها درباره متهم و استعلام‌های دریافتی در مورد وی انجام می‌شود و قاضی توجه چندانی به گفته و دفاعیات متهم ندارد. لازم به ذکر است که قاضی راجع به این استعلام‌ها در دادگاه هرگز از متهم سوال نمی‌کند، زیرا خود به خوبی می‌داند که اکثر آنها سفارشی و کذب هستند. حتی وکیل هم این استعلام‌ها را که همگی محرمانه هستند، نمی‌تواند ملاحظه کند. فقط در دوره‌ای از کارشناسی، متهم تحت فشار و انواع و اقسام تهدیدها قرار می‌گیرد که این استعلام‌ها را پذیرفته و اعتراف کند. به این علت در جریان وجود چنین استعلام‌های کذبی قرار دارد.

۱۹- عدم ارائه اسناد و مدارکی که به نفع متهم باشد:

کارشناسان هیچ‌گونه سند و مدرکی را که به نفع متهم باشد و نشان دهد که اتهامات وارده پاپوش‌های سیاسی - امنیتی بوده، به دادگاه ارائه نمی‌دهند و ضمیمه پرونده او نمی‌شود و فقط مدارکی در پرونده یافت می‌شوند که در راستای اثبات اتهامات دسته‌بندی شده علیه متهم باشد و هیچ نکته مثبتی از بیوگرافی او در پرونده وجود نخواهد داشت. برای تحقق این امر، کلیه اسناد و مدارکی که کارشناسان از بازرسی منزل، محل کار و ... متهم و سوابق کاری و فعالیت او در نهادها، سازمان‌ها،

وزارتخانه‌ها و ... جمع آوری می‌کنند، کلیه مدارکی را که ممکن است اتهامات و پاپوش‌هایی را که برای وی ساخته اند را نقض کند و به نفع او باشد، از دسترس خارج و به هیچ وجه ضمیمه پرونده نکرده و به دادگاه ارائه نمی‌دهند.

همچنین هرگونه سابقه مثبت، جوایز، کسب رتبه‌های برتر، تقدیرنامه، تشویق‌نامه و بیوگرافی علمی و تحقیقاتی، حسن سابقه، حسن رفتار و ... هرگز در گزارش کارشناسان منعکس نمی‌شود و اجازه‌ی حضور شهودی که بخواهند به نفع متهم شهادت بدهند، داده نمی‌شود و در صورتی که افرادی برای شهادت دادن خود، اعلام آمادگی کنند، مورد تهدید قرار گرفته و به آنها اخطار می‌شود که چون پرونده امنیتی است، مداخله آنان باعث زیر سوال رفتن و دستگیر شدنشان خواهد شد و ... در این رابطه هرگونه دفاع جمعی اعم از دفاع در فضای مجازی، استشهاد نامه، تجمع و ... موجب برانگیخته شدن خشم کارشناسان و اقدام به مقابله و سرکوب اینگونه مدافعات مسالمت‌آمیز جمعی که قصد دفاع از فرد بیگانه‌ی را دارند، می‌گردد.

برای مثال: در موارد فوق، به طور خیلی مختصر درباره آقای محمدعلی طاهری هیچ یک از مدارک و مجوزهای موسسه و کتب، بیوگرافی علمی مثبت شامل کسب رتبه‌های نخست مسابقات علمی سراسری ایران سال ۵۵ و ۵۶، طراحی و ساخت سلاح‌های انفرادی برای وزارت دفاع، کسب رتبه‌های ممتاز بین‌المللی در مسابقات علمی جهانی و ... به دادگاه ارائه نشده‌اند. همچنین هیچ کدام از کتب، مجلات، ویژه‌نامه‌ها، مقالات، فیلم‌های کلاس‌ها و دوره‌های برگزارشده در دانشگاه‌ها، ۲۰۰ صفحه ۴۴ جوابیه کتاب (افسون حلقه) و ۵۰ صفحه ۴۴ استنادات قرآن، نهج البلاغه و ... پیوست جوابیه فوق، ۲۵۰ صفحه ۴۴ دفاعیات در قبال کیفرخواست و ... ایشان ضمیمه پرونده نشدند. در ضمن تجمعات مسالمت‌آمیز که به منظور ادای شهادت مبنی بر بیگانه‌ی آقای طاهری و پاپوش بودن اتهامات وارده و ... برگزار شده، به طور مداوم مورد تهاجم و سرکوب قرار گرفته است.

۲۰- عدم اختصاص وقت کافی برای دفاع در دادگاه انقلاب:

از آنجا که کیفرخواست متهمین سیاسی-امنیتی معمولاً بسیار مفصل و متنوع تنظیم می‌شود و نسخه‌ای از آن را هم در اختیار متهم یا وکیل قرار نمی‌دهند و وکیل مجبور است آن را دستنویس کند و متهم نیز هنگام قرائت کیفرخواست باید یادداشت بردارد و همه اینها تمرکز ذهنی او را برای پاسخ دادن به ده‌ها صفحه کیفرخواست که در هر صفحه، ده‌ها مورد بر علیه او اعلام جرم شده، زمان یک یا دو جلسه چند ساعته برای قرائت کیفرخواست و دفاع متهم به هیچ وجه کافی نیست و خیلی از موارد به علت کمبود وقت بدون پاسخ باقی می‌مانند و عدم پاسخگویی به آنها به منزله نداشتن حرف و دفاعی برای گفتن و درواقع مجرم بودن تلقی می‌شود. بنابراین یکی دیگر از شگردها برای اینکه متهم نتواند جواب کامل و کافی به همه موارد مطرح شده در کیفرخواست بدهد و روزنه‌هایی

در دفاع از خود به نفع کارشناسان باقی بگذارد که بتوانند از آن طریق بهتر و راحت تر محکومیت او را رقم بزنند، عدم اختصاص وقت کافی برای دفاع این دسته از متهمین در دادگاه می باشد. بنابراین رسیدگی به پرونده و گرفتن دفاعیات متهم، از این نظر مطلقاً عادلانه نیست.

یک نکته

در قانون جدید پیش بینی شده تا بسیاری از کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه بتوانند خود را در ماهیت کاملاً خصوصی و مردم نهاد جا زده و با این نیرنگ به نام نهادهای مردمی، افراد و گروه ها و ... را که مطلوب سازمان نیستند، تحت تعقیب قانونی قرار داده و زمینه سرکوب آنها را فراهم کنند. در قانون جدید قرار است نام این گروه از طرف قوه قضاییه، **ضابطین خصوصی مردم نهاد** اعلام شود که در اصل همان کارشناسان سازمان می باشند.

۲۱- فریب متهم توسط قاضی و کارشناس ها

یکی از شگردهایی که در مورد بعضی از متهمین به کار برده می شود، اللقاء از طرف قاضی به متهم است که به نوعی در حاشیه دادگاه به او می فهماند که اتهاماتش را نپذیرفته و لازم نیست به همه موارد مطرح شده در کیفرخواست پاسخ بدهد و فقط در صورت تمایل توضیحی کلی ارائه نماید و جلسه دادگاه را نیز سریع خاتمه داده و از متهم می خواهد آخرین دفاع خود را بنویسد و او نیز که به گفته قاضی مبنی بر نپذیرفتن اتهامات به حرف قاضی و امین بودن، اطمینان می کند، آنطور که لازم است از خود دفاع نمی کند و کوتاه بودن جلسه دادگاه را هم به این حساب می گذارد. اما مدت ها بعد که حکم صادر می شود، میفهمد که قاضی بر خلاف اظهارش همه موارد اتهامات را پذیرفته و او فرصت دفاع همه جانبه و حق درخواست اسناد، مدارک، شواهد و دلایل مورد اتهام را از دست داده است و قاضی بدون اثبات اتهامات او، برایش محکومیت صادر کرده و با این شگرد، فریب خورده است.

درباره آقای محمدعلی طاهری، در دادگاه سال ۹۰ پس از قرائت کیفرخواست زمانی که در حضور وکیلش (**خانم شادی رصدی**) از **قاضی پیرعباسی** پرسید با این کیفرخواست مفصل، چقدر زمان برای هر مورد مطرح شده در کیفرخواست در نظر گرفته اند که برای آنها مدرک ارائه نموده و دفاع کند، قاضی اظهار کرد که هیچ کدام از اتهامات اعتقادی را نپذیرفته و فقط در مورد موسسه، کسب درآمد نامشروع و ارتباط نامشروع دفاع کند. ولی بعداً که حکم صادر شد، برای اتهام توهین به مقدسات بدون وجود دلیل و مدرک، پنج سال حبس محکومیت صادر کرد. البته هنگامی که آقای طاهری به وی اعتراض کرد، **قاضی پیرعباسی** به او گفت که نتوانسته است کارشناسان را راضی کند.

همچنین قبل از دادگاه های زمستان ۹۳ و بهار ۹۴، قاضی ناظر زندان، بازپرس و کارشناس (**رحیمی**) همگی اعلام کردند که این پرونده مفتوح چیز مهمی نیست و فقط طبق تشریفات قانونی باید به دادگاه برود تا پرونده بسته شود. اما رای صادره از این دادگاه (از سوی **قاضی احمد زاده**) که همه

آنها اعلام می کردند مهم نیست و در حال بسته شدن است، به صدور حکم اعدام منجر شد. یکی از اهداف این فریب ایجاد این تصور در متهم است که به سادگی پرونده فیصله پیدا خواهد کرد و در این صورت از افشاگری احتمالی در دادگاه علیه اعمال غیر قانونی و ... کارشناسان خودداری کند و برای اینکه پرونده ای که قرار است به سادگی بسته شود، دچار دست انداز و پیچیدگی نشده و به پایان برسد، سکوت را بر افشای ظلم و ستم ترجیح دهد، ضمن اینکه از دادگاه هم درخواست ارائه مدرک و اثبات اتهامات را نخواهد کرد. ولی علیرغم این فریب، آقای طاهری در دادگاه های تفتیش عقاید فوق الذکر، اعمال و رفتار غیر انسانی و غیر قانونی کارشناسان را افشا کرد.

۲۲- انتشار مطالب کذب در جهت سمپاشی علیه متهمین (سیاسی- عقیدتی- امنیتی) قبل از اثبات در دادگاه:

شایع ترین شگرد کارشناسان در جهت ترور شخصیتی متهمین، سمپاشی گسترده در رسانه ها با استفاده از برجسب های دروغین و ساختگی بر علیه آنهاست، بدون آنکه آن برجسب ها در هیچ دادگاهی به اثبات رسیده شده باشند.

برای مثال، در مورد آقای محمدعلی طاهری با بهره برداری از فیلم ها و صوت های مستند موسسه اش و تبدیل آنها به کلیپ ناقص و بریده و صوت های مونتاژ و دستکاری شده و پخش آنها از طریق رسانه های مختلف وی را به عنوان جن گیر، رمال، جادوگر، شیاد، کلاهبردار، شیطان پرست و ... معرفی کردند بدون آنکه این تهمت و افتراها در مراجع قانونی تفهیم اتهام و در دادگاهی به اثبات رسیده شده باشد. این موضوع اثبات کننده عدم پایبندی کارشناسان سازمان به موازین اخلاقی، انسانی و اسلامی است و به خوبی ثابت می کند که برای آنها از جمله در دوره ای از زندگی خود من متاسفانه هدف، وسیله را توجیه می کند.

کارشناسان پس از مدتی سمپاشی از این طریق، زمینه های لازم را برای دستگیری آقای طاهری فراهم نموده و پس از دستگیری با اعمال شکنجه های جسمی با استفاده از کیسه سیاه (که قبلا توضیح دادم)، ضرب و شتم و ... شکنجه های روحی از طریق تهدید خانواده، صحنه سازی برای اجرای مراسم اعدام و ... تحت فشار قرار داده تا وی را مجبور به اعتراف به اینگونه افتراهای ناروا کنند و از این اعترافات کذب ضمن پخش مصاحبه های مربوط به آن از طریق رسانه ها، راه را برای ترور شخصیتی با به کارگیری مدارک مستند مانند فیلم ها و مستندها و اعترافات زوری هموار نموده و زمینه را برای صدور حکم سفرشی- فرمایشی در مورد اتهامات اصلی که به عنوان پاپوش جهت سرکوب فرد یا گروه یا هر دو به کار گرفته شده، فراهم کنند.

این برجسب ها برای افراد و گروه های مختلف با یکدیگر متفاوت است و بر اساس نوع فعالیت آنها تعیین می شود و در واقع پیش نیاز طرح پاپوش های اصلی محسوب می شوند. لازم به ذکر است که شکایات در این موارد در مراجع قانونی ذیربط به علت هماهنگی با کارشناسان به هیچ عنوان

رسیدگی نشده و به آن توجه نمی‌شود.
در این رابطه آقای محمدعلی طاهری شکایات متعددی در طی چندین سال گذشته، ارائه نمود که تاکنون مورد رسیدگی قرار نگرفته‌اند.

۲۳- درست کردن حاشیه و شایعات کذب در پیرامون زندگی متهمین

برای مثال در مورد آقای محمدعلی طاهری، برنامه‌ای از کانال ۳ تلویزیون به نام (به سوی حقیقت) در خرداد ۹۳ و برنامه (راه بیراه) از کانال‌های رادیویی معرفت و جوان، اعلام می‌کنند که وی مبتلا به بیماری روانی و مدت ۷ ماه در بیمارستان روانی زندان تحت معالجات روانپزشکی قرار داشته و به علت روانی بودنش، همسرش قصد داشته از وی جدا شود و هم اکنون در حال طلاق گرفتن است که متعاقباً با وجود شکایت همسر ایشان در همین رابطه از (مظاهری سیف) به اتهام نشر اکاذیب فوق‌الذکر در این برنامه، دادسرا برای **مظاهری سیف** منع تعقیب صادر می‌کند، بدون اینکه همسر آقای طاهری را به عنوان شاکی حتی به دادسرا احضار کنند.
اما تهیه این قبیل برنامه‌ها و پخش آنها از رسانه‌ها با اهداف خاصی صورت می‌گیرد، از جمله همین برنامه‌های ذکر شده، مقاصد زیر را دنبال کرده است:

- ۱) مخدوش جلوه دادن شخصیت آقای طاهری از طریق القای ابتلا به بیماری روانی در اذهان عمومی.
- ۲) زیر سوال بردن قابلیت‌های درمانی و روان درمانی طب‌های مکمل فرادرمانی و سایمنتولوژی با تبلیغ سوء مبنی بر اینکه بنیانگذار این رشته‌ها خودش مبتلا به بیماری روانی است. در ضمن مباحث نظری و عملی مطرح شده در عرفان حلقه را محصول اندیشه یک بیمار روانی قلمداد کنند.
- ۳) توجیه اینکه چهار بار خودکشی وی که در بازداشتگاه رخ داده (همانطور که در پستهای قبل گفتم اقدام به خودکشی به منظور اجتناب از ارائه اعترافات کذب و جلوگیری از صدمه زدن کارشناسان به همسرش بود که تهدید کرده بودند در صورت عدم همکاری در ارائه اعترافات و سرانجام مصاحبه‌های دیکته شده به او صدمه خواهند زد و فرزندانش بی‌سرپرست خواهند شد) و گزارش آنها در پرونده آقای طاهری منعکس گردیده به علت ابتلا به بیماری روانی و داشتن مشکلات خانوادگی و تصمیم همسر برای اقدام به جدایی، انجام شده است.
- ۴) توجیه اینکه بستری کردن آقای طاهری در بخش روانپزشکی صرفاً به علت انجام معالجات روانی وی بوده، نه انجام شستشوی مغزی و به این طریق با دادن خبر بستری شدن وی به مدت هفت ماه بواسطه ابتلا به بیماری روانی، سعی نموده تا شائبه انجام شستشوی مغزی را از اذهان عمومی بزداید. (قبلاً از شیوه‌های شستشوی مغزی با دارو یا شوک الکتریکی گفته بودم).

۲۴- درست کردن شاک و شاهد از درون بازداشتگاه:

یکی از شگردهایی که در اصل نوعی توطئه و دسیسه محسوب می‌شود، این است که افرادی خاص

را با متهم هم سلول نموده و سپس از آنها گزارش هایی را به عنوان شاکی یا شاهد در مواردی هدفمند اخذ و ضمیمه پرونده می کنند و به این طریق اقدام به پرونده سازی یا تکمیل آن می کنند.

برای مثال در مورد آقای طاهری، فردی به نام (مسلم شمسبیان فرد) (۳۰ ساله، متولد لرستان با حرفه چاه کنی، سواد در حد سیکل و متهم به فروش تی ان تی مورد استفاده حفاران برای کسب صد هزار تومان سود، به فردی که خود از مامورین بود) را به سلول آقای طاهری منتقل کردند و به علت نداشتن پول خرید هفتگی (شش قلم)، از خریدی که آقای طاهری انجام می داد، استفاده می کرد، پس از مدت کوتاهی او را به نزد فرد دیگری به نام (انور روزچنگ) منتقل کردند. اما این شخص به دنبال اختلافی که مسلم ایجاد کرد. شبانه مورد حمله قرار می گیرد که به دنبال این حادثه، گزارشی تنظیم می شود که در آن مسلم ادعا می کند که چون آقای محمدعلی طاهری به او خوراکی داده است، او را چیزخور کرده و جادو نموده و پس از آن او دچار این حالت شده که در نتیجه به آن شخص حمله کرده است. واقعیت ماجرا این بود که ما کارشناسان وی را شدیداً تحت فشار گذاشتیم که او به زور این گزارش را تکمیل کند. مدتی بعد مجدداً مسلم را برای اجرای نقشه ای دیگر به نزد آقای طاهری آوردند، ولی گویا مسلم تمام ماجرا را برای وی تعریف کرد و با ساختن جنگی زرگری بین خود، مجبور به جدا کردنشان شدیم.

۲۵- خالی گذاشتن جای برخی از سوالات در برگه های بازجویی:

این شگرد، حین گرفتن دفاعیات متهم مورد استفاده قرار می گیرد به این طریق که در برگه های بازجویی که محل نوشتن سوال را با (س) و محل جواب دادن متهم را با (ج) مشخص می کنند، ممکن است به بهانه گرفتار بودن، پاسخ به تلفن و ... سوال کننده، سوال از متهم به شکل شفاهی پرسیده شود و جای درج سوال (س) را خالی گذاشته و از او بخواهد جوابیه و دفاع خود را در محل تعیین شده (ج) بنویسد. به این ترتیب محل سوال (س) باقی می ماند که در این صورت امکان تغییر سوال به نحو متقلبانه وجود خواهد داشت. بطوریکه با تغییر بیش آمده دفاعیه یا جواب متهم ناقص و یا بی ربط به نظر بیاید و یا به طور ضمنی و غیر مستقیم موضوعی را قبول نماید و ... در نتیجه سوء استفاده هدفمندی از آن به عمل بیاورند. در غیر این صورت، لزومی برای خالی گذاشتن جای سوال وجود ندارد.

در ارتباط با آقای محمدعلی طاهری، در جریان بازپرسی در شعبه پنجم دادرسی شهید مقدس در سال ۹۰، بازپرس اسدی با هماهنگی با کارشناسان، بعضی سوالات را به بهانه مشغول بودن به کارهای متفرقه به شکل شفاهی می پرسید و جای سوال را که با (س) در برگه مشخص می کرد، خالی می گذاشت و از وی می خواست جواب را در محل (ج) بنویسد و اظهار می کرد که بعداً در محل (س) سوال را خواهد نوشت. آقای طاهری در آن موقع اصلاً فکر نمی کرد که ممکن است یک بازپرس از عدالت خارج شود و تا این حد نادرست و نامطمئن باشد و نسبت به این موضوع اصلاً شک نمی کرد.

ولی در حقیقت جای سوالات خالی می ماند تا بتوان در آنها تغییراتی هدفمند ایجاد کرد.

۲۶- عدم دسترسی متهم به وکیل و بالعکس:

متهمین (سیاسی-عقیدتی-امنیتی) تا پایان مراحل کارشناسی (گرفتن اعترافات و مصاحبه های زوری دیکته شده) که ممکن است تا ماه ها به طول بیانجامد، نمی تواند وکیل را ملاقات کرده و در مورد دفاعیات خود با وی صحبتی داشته باشد و اگر ملاقاتی داده شود، فقط برای این است که وکیل از سالم بودن موکل خود اطمینان حاصل کرده و این موضوع را به اطلاع خانواده موکل خود رسانیده و در صورت لزوم از طریق رسانه ها اعلام کند. اما اگر بخواهد مطلبی در خصوص نقض آئین نامه دادرسی و اعمال غیر قانونی نسبت به موکلش اطلاع رسانی و مصاحبه کند، به شدت مورد تهدید قرار گرفته و حتی در بعضی موارد، وکلا بواسطه اعتراض به چنین مواردی به حبس نیز محکوم شده اند (به همین دلیل در آئین نامه دادرسی جدید، پیش بینی شده که وکیل باید مورد وثوق قوه قضائیه باشد تا نسبت به وضعیت موکلش هیچ وقت اعتراضی نکند و در خصوص رفتارهای غیر قانونی و ... نسبت به وی افشاگری نکرده و رازدار باشد و حتی آن را به بیرون انتقال نداده و رسانه ای نکند. بنابراین وکیل باید با کارشناسان هماهنگ بوده و اجازه دهد تا کارشناسان آنطور که در نظر دارند، سناریو مربوط به متهم را مدیریت کنند).

در مورد آقای محمدعلی طاهری فقط در جلسه اول دادگاه که پس از چندین ماه از بازداشت موقت و با انجام چند نوبت اقدام به اعتصاب غذا، تشکیل شد، توانست وکیل خود را (خانم شادی رصدی) ملاقات کند و در آنجا ضمن اینکه فهمید وکیلش مورد تهدید قرار گرفته، توسط ایشان به برخی از حقایق پشت پرده پی برد، از جمله اینکه ارائه پانزده حکم اعدام که بازپرس اسدی و کارشناسان ادعا می کردند از سوی پانزده تن از مراجع تقلید صادر شده، همگی جعلی بوده و صحنه سازی ها در مورد اجرای حکم اعدام به منظور اعمال شکنجه روانی و ترسانیدن و مجبور کردن وی به قبول اتهامات کذب وارده و انجام مصاحبه دیکته شده و ... بوده است. اما اگر در ماه های اول اجازه ملاقات وکیل را با آقای طاهری می دادیم، هیچ کدام از این اقدامات غیر قانونی و غیر انسانی رخ نمی داد.

بنابراین علت ممانعت از ملاقات متهم با وکیل و بالعکس به این دلیل است که بتوانند شگردهای غیر قانونی خود را بر روی متهم پیاده کنند و کسی از چنین روندی مطلع نشود و در ضمن متهم نیز از وجود چنین توطئه و دسیسه هایی با خبر و آگاه نشود. متهم نیز هر زمان که بخواهد این موارد را افشاگری کند، ضمن تکذیب آن، او را متهم به نشر اکاذیب، سیاه نمایی و ... می کنند و قضات دادگاه انقلاب نیز که از چنین شیوه های بازپرسی و کارشناسی کاملاً آگاه هستند هیچ اعتنایی به گفته های متهم در این مورد نخواهند کرد. در این رابطه، به یاد دارم که آقای طاهری در دادگاه های سال های ۹۰، ۹۳، ۹۴ در مورد رفتار غیر انسانی، غیر اخلاقی و ... بازپرس و کارشناسان به اطلاع

قضات پیرعباسی و احمدزاده رسانید که برایشان اصلا غیر منتظره نبود.

۲۷- عدم اختصاص وقت کافی برای ملاقات با وکلا و محدودیت در دفعات ملاقات:

وکلاي متهمين (سیاسی-عقیدتی-امنیتی) در دفاع از موکل خود از محدودیت‌های بسیاری برخوردار هستند (و بالعکس) از جمله، مشکلات جهت اخذ مجوز ملاقات و طی سلسله مراحل اداری به این ترتیب که باید در حراست خود را به قاضی ناظر زندان اوین یا قاضی پرونده معرفی کنند ولی چون ملاقات و دسترسی به قاضی انقلاب بسیار مشکل است و به سختی اجازه ملاقات با او داده می‌شود، معمولاً اخذ مجوز از قاضی ناظر زندان صورت می‌گیرد که او نیز با هماهنگی با کارشناسان نسبت به صدور مجوز ملاقات اقدام می‌کند (زیرا به هنگام ملاقات، باید یکی از کارشناسان حضور داشته باشد). پس از دریافت مجوز باید آن را به زندان اوین تحویل داده تا با هماهنگی با مدیریت بازداشتگاه و کارشناس نسبت به تعیین وقت ملاقات اقدام شود که متعاقباً تلفنی به وکیل اطلاع داده می‌شود که ممکن است به هنگام مراجعه به بهانه تداخل ملاقات‌ها، عدم حضور کارشناس و غیره لغو شود.

محدودیت بعدی کافی نبودن زمان ملاقات است که فقط ۲۰ دقیقه می‌باشد که با توجه به حجم بالایی از مطالب کذب که در کیفرخواست‌ها می‌گنجانند و پرونده سازی‌های مفصلی که برای این دسته از متهمین تدارک دیده می‌شود، این مدت زمان حتی برای روخوانی کیفرخواست هم بسنده نمی‌کند و جز به احوالپرسی و مرور برخی از مطالب کلی نمی‌توان پرداخت. برای مثال، زمانی که حکم اعدام آقای محمدعلی طاهری با استناد به دلایل ساختگی صادر گردید، از آنجا که رای و حکم دادگاه فقط به وکیل ابلاغ شد (۹۴/۵/۱۰) و از ابلاغ به وی خودداری کردند (طبق آئین نامه دادرسی جدید برای اینکه متهم به دلایل صدور رای که به طور عمده ساختگی است، نتواند کذب بودن آنها را بر ملا کند و دادگاه انقلاب اسلامی زیر سوال نرود، رای و حکم دادگاه را فقط به وکیل ابلاغ می‌کنند و او هم بدون اطلاع از موارد مطرح شده در حکم که مربوط به مسائل شخصی متهم است، نمی‌تواند به آنها پاسخ داده و از متهم دفاع کند) و وکلا هم به علت کمبود وقت حتی نتوانستند حکم را به طور کامل برای آقای طاهری قرائت کنند، چه برسد به اینکه جواب و دفاعیه وی را نسبت به موارد کذب مطرح شده بگیرند. در نتیجه بدون اینکه بتوانند دفاعیه او را منعکس کنند، فقط با اشاره به موارد اشکالات قانونی که در صدور این رای وجود داشته، دفاعیه خود را ارائه می‌دهند (که البته دادگاه بدوی و تجدید نظر به این اشکالات قانونی توجه نمی‌کنند و فقط در شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور - قاضی نیازی متوجه شده و رای را نقض می‌کند).

۲۸- استناد به مطالب کذب به عنوان دلایل صدور حکم:

از شگردهای موجه نشان دادن رای صادره از دادگاه انقلاب اسلامی، استناد به دلایل کذب و ناروا در حکم است، بطوریکه در افکار عمومی ضمن ترور شخصیتی متهم، مجرمیت او را با استناد به این دلایل دروغ و ساختگی القا کند و از آنجا که در این موارد حکم نیز فقط به وکیل ابلاغ می شود و وکیل نیز زمان لازم و کافی برای گرفتن همه پاسخ ها و دفاعیات متهم در اختیار ندارد و او را از همه نظر محدود کرده اند، در نتیجه عملاً متهم خلع دفاع شده و نمی تواند حقایق را افشا کند و وکلای نیز فقط می توانند به اشکالات قانونی و دفاع از متهم با استناد به مفاد و مواد قانونی بپردازند و از مسائل شخصی زندگی و افکار متهم بی اطلاع هستند. بخصوص اینکه برخی از این دلایل ساختگی، با استعلام های سفارشی کذب هم پشتیبانی و مدرک سازی شده اند و وکیل نمی تواند به دادگاه اعلام کند که این استعلام ها همگی، دروغ محض است، در این صورت او را مورد پیگرد قانونی قرار می دهند. اما متهم می تواند شخصا کذب و ساختگی بودن این دلایل و استعلام ها را در دفاعیه خود رسماً اظهار نماید هر چند که مورد توجه و رسیدگی قرار نگیرد ولی او توانسته این دروغ و افتراها را افشا کند، شاید در جایی دیگر مانند دیوان عالی کشور یا در زمانی دیگر در آینده، حقیقت آشکار گردد. ولی عدم وجود تکذیبیه از سوی متهم و وکیل او به منزله ی تصدیق تلقی می شود (و هدف از آئین نامه دادرسی جدید هم همین است).

در مورد کیس آقای محمدعلی طاهری

یکی از دلایل صدور حکم اعدام برای ایشان (تابستان ۹۴)، ادعای کشف و توقیف مبلغ دو میلیارد و چهار صد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی متعلق به وی از بانک های سراسر کشور به هنگام دستگیری بوده است که با پرینت حساب و استعلام از بانک مرکزی، پشتیبانی قانونی شده است که وکیل به طور قطع نمی تواند اعلام کند که چنین موضوعی دروغ محض است. در صورتی که آقای طاهری فقط در تهران حساب داشتند و موجودی وی فقط بیست و هفت میلیون تومان بوده است و پرینتی که چنین موجودی را در بانک های سراسر کشور متعلق به وی نشان می دهد، مطلقاً دروغ ساختگی و سفارشی بود و از اینها گذشته حتی داشتن چنین موجودی در بانک جرم نیست و نکته اینکه در هیچ یک از بازجوییها در مورد این مساله به وی تفهیم اتهام نشده است و در هیچ دادگاهی جرم بودن آن به اثبات نرسیده است. همچنین در خلال چند سال گذشته چنین موضوعی با وی اصلاً در میان گذاشته نشده است.

در این مورد علیرغم اعتراض های شدید آقای طاهری و ارائه شکایات متعدد و اقدام به هفتاد روز اعتصاب غذا، حکم دادگاه شعبه ۲۶ انقلاب اسلامی که **قاضی احمدزاده** صادر نمود به وی ابلاغ نشد تا نتواند پاسخ اکاذیب و افتراهای مطرح شده در آن را بدهد. لازم به ذکر است دلیل عدم ابلاغ

حکم به ایشان این بود که کارشناسان به منظور جلوگیری از رسوایی دادگاه انقلاب اسلامی به هیچ عنوان با این مساله موافقت نکردند. بنابراین، به نوعی با توجه به اینکه حکم اعدام صادره مبتنی بر دلایل کذب بوده در نتیجه، این حکم به منزله اقدام به قتل عمد محسوب می شود.

۲۹- عدم توجه به اعتراض ها و اعتصاب های زندانیان:

شگرد و روشی که در مواجهه با اعتراض ها، شکایت ها و اعتصاب غذای زندانیان به کار برده می شود، بی توجهی کامل نسبت به این گونه واکنش های آنها نسبت به بی عدالتی، و اعمال غیر قانونی و غیر انسانی کارشناسان می باشد. در حالیکه کوچکترین اعتراض زندانیان در غرب با بزرگنمایی هر چه بیشتر در رسانه های مختلف مملکت با آب و تاب فراوان منعکس می شود. در زندان های ایران، تلاش بسیار زیاد و جدی برای جلوگیری از درزاخبار مربوط به اعتراض، شکایت و اعتصاب غذای زندانیان به بیرون از زندان به عمل آمده و از طرف دیگر هیچ گونه اقدامی نیز در جهت رفع مشکلات قانونی جاری در جهت رفع ظلم و ستم نسبت به آنها صورت نمی گیرد و این موضوع به صراحت با زندانی در میان گذاشته می شود که حتی اگر بمیرد، خواسته او را بر آورده نخواهند کرد و در نهایت هنگامیکه حال زندانی خراب شده و به کما برود، به طور غیر تخصصی یک شیشه عسل یا شربت غلیظ در گلوی او ریخته و او را از کما خارج می کنند و فقط در مواردی که وضعیت فرد بسیار بحرانی و خطرناک تشخیص داده شود به بیمارستان منتقل و با اسم جعلی و به صورت ایزوله و خصوصی تا رفع مشکل، تحت مراقبت قرار می گیرد. حتی در مواردی هم که خبر اعتصاب غذا در رسانه های خارجی منعکس شود (رسانه های داخلی تحت سانسور شدید قرار داشته و از انعکاس اینگونه خبرها منع قانونی دارند)، باز هم هیچگونه تاثیری در رسیدگی به خواسته های زندانی و رفع ظلم و ستم نسبت به او نخواهد داشت.

در ارتباط با آقای طاهری

وی از چهارده بار اقدام به اعتصاب غذا (در اعتراض به اتهامات پوچ و بی اساسش، ظلم و ستم و رفتارهای غیر انسانی، غیر قانونی و ...)، فقط چند مورد اول در سال ۹۰ به اعتصابش توجه شد که در اعتراض به صدور حکم های جعلی اعدام که **بازپرس اسدی** با ارائه مدارک جعلی مدعی بود که پانزده تن از مراجع تقلید صادر کردند و وی معترض بود که چگونه بدون برگزاری دادگاه، مراجع تقلید توانسته اند حکم اعدام را صادر کنند و باید وی به مراجع قانونی و ذیصلاح اعزام تا در آنجا علت و منطق صدور چنین حکم هایی معلوم شود که در نتیجه ظاهرا به واسطه این اعتراض و اعتصاب ها به دادگاه اعزام شد و در آنجا از طریق وکیلش متوجه شد که حکم های اعدام فوق همگی جعلی بودند و ... اما در سایر موارد، هیچگونه توجهی به خواسته های قانونی و بر حق وی نکردند و در مواردی که بر اثر اعتصاب غذا به کما رفت، با خوراندن عسل وی را از کما خارج کردند و در یک

مورد هم همین اواخر در تاریخ ۱۹/۱۱/۹۴ که به کما رفت و وضعیتش خطرناک تشخیص داده شد به بیمارستان بقیة الله منتقل و به نام (اصغر حسینی) در VIP اتاق ۷ بستری و احیا شد. اما باز هم پس از بازگشت از بیمارستان نه تنها به خواسته‌اش رسیدگی نشد، بلکه پاپوش‌های جدیدی نیز برایش ساخته و کارشناسان حملات خود را از همه جهات نسبت به او گسترش دادند. لازم به ذکر است که در هنگام اعتصاب غذا و اعتراض، بلافاصله به زندانی تذکر داده می‌شود که اعتراض و اعتصاب غذا جرم محسوب می‌شود و تحت عنوان اخلاق در زندان مورد محاکمه قرار خواهد گرفت. در حالیکه این عمل در زندان‌های غرب و ... عملی قهرمانانه، شجاعانه، شهادت طلبانه و مبارزه با ظلم و ستم و ... معرفی می‌شود و شاید ایران تنها کشوری در دنیا باشد که در آن، اعتصاب غذا جرم و اخلاق در زندان تلقی می‌شود. در صورتی که این تذکر در زندانی اثر نداشته باشد و او کماکان بر ایستادگی در مقابل ظلم و ستم مصر باشد، اقدام به تهدید او می‌کنند که بستگی به وضعیت و موقعیت فرد ممکن است شامل هر چیزی شود. از جمله: اعزام به زندان‌های دور دست و هم سلول کردن با افراد خلافکار، قاتلان خطرناک، پرونده سازی و مفتوح کردن پرونده‌های جدید، دستگیری اعضای خانواده، پاپوش و پرونده درست کردن برای آنها و ...

۳۰- عدم رسیدگی به شکایت محبوسین در بازداشتگاه:

در صورتیکه محبوسین در بازداشتگاه بخواهند به هر علتی شکایت کنند، کارشناسان اجازه نمی‌دهند قلم و کاغذ در اختیار آنها قرار داده شود در صورتی که بواسطه اعتراض‌ها و حتی اقدام به اعتصاب غذا، کاغذ در اختیار زندانی قرار گیرد به او یادآوری می‌کنند که اگر شکایت خود را ملایم ننویسد، آن را در کاغذ خردکن می‌اندازند، اما پس از اینکه شکایت هم طبق خواسته آنها و با ملایمت نوشته شد و به دادسرا ارسال گردید، در آنجا بدون آنکه زندانی به عنوان شاکی به دادسرا احضار شود، بازپرس شکایت را وارد نمی‌داند و اگر هم زندانی را احضار کنند، بازپرس، (از کارکنان دولت) از او می‌پرسد که با ارائه چه مدارکی می‌تواند ادعاهای خود را در مورد شکایاتش به اعمال و رفتار کارشناس، بازپرس و ... ثابت کند؟ و چون زندانی حتی یک برگ کاغذ هم همراه خود نمی‌تواند داشته باشد چه برسد به مدارک علیه این عده که بتواند ادعاهای خود را به اثبات برساند و فقط می‌تواند به چیزهایی اشاره کند که به طور عمده در اختیار آنهاست مانند فیلم، دوربین‌های بازداشتگاه، برگه‌های بازجویی، رو درو کردن با کارشناسان، بازپرس و ... قسم خوردن و قسم دادن و ... که البته در وهله اول بازپرس این چیزها را نمی‌پذیرد و در وهله بعد و در صورت اعتراض‌ها و اعتصاب غذا به سختی برای قطع اعتراض زندانی شکایت را می‌پذیرد تا به آن رسیدگی شود. اما پس از مدت‌ها که ممکن است از سال هم تجاوز کند، قرار منع تعقیب برای افراد مورد شکایت صادر می‌شود، بدون آنکه دادگاهی تشکیل شده و شاکی را به دادگاه احضار کرده باشند.

در رابطه با آقای محمدعلی طاهری، ایشان شکایات زیر را از سال ۹۰ بدون آنکه هیچ کدام از آنها

علیرغم اعتراضات شدید و اقدام به اعتصاب غذا مورد رسیدگی قرار گرفته شده باشد، خطاب به دادگاه‌های ذیربط ارائه کرده است:

بخش اول شکایات آقای طاهری:

- شکایت از (علی ناصری راد) نویسنده کتاب (افسون حلقه) به اتهام تحریف، اضافه کردن مطالب زائد، کم کردن از مطالب، تغییر اشکال کتاب‌های تالیف ایشان.

- شکایت از کارشناسان بواسطه عدم تحویل کتاب، مجلات، مقالات وی و فیلم‌های کلاس هایش.

همچنین مدارک و مجوزهای موسسه و بیوگرافی علمی به دادگاه.

- شکایت از (مظاهری سیف) به اتهام نوشتن کتب تحریف شده و متقلبانه علیه ایشان، نشر اکاذیب در برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی، شکایت از حراست و کارشناس‌های ارشاد، علوم، دفاع، آموزش و پرورش و حراست‌های ثبت شرکت‌ها و موسسات، دانشگاه تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، نظام وظیفه، بواسطه صدور استعلام‌های کذب سفارشی.

- شکایت از بازپرس اسدی و کارشناسان پرونده برای دفعات متوالی که آخرین بار در تاریخ ۹۳/۴/۱ به دادسرای کارکنان دولت اعزام و بازپرس مربوط بالاخره شکایت ایشان را پذیرفت ولی بدون احضار وی به عنوان شاکی به دادگاه، در تاریخ ۹۴/۱/۳۱ منع تعقیب بازپرس اسدی صادر شده و بقیه نیز کماکان بلا تکلیف می‌باشد.

- دادن اعتراض به صدور منع تعقیب بازپرس اسدی به تاریخ ۹۴/۲/۱ که تا کنون مورد رسیدگی قرار نگرفته است.

- شکایت از بازپرس شعبه ۱۵ ناحیه ۲۸ به علت صدور منع تعقیب برای بازپرس اسدی، بدون احضار آقای طاهری به عنوان شاکی.

- شکایت به دادستان بواسطه بازجویی غیر قانونی در محل غیر رسمی از همسر و دختر ایشان و ایجاد رعب و وحشت، تهدید و گرفتن اعتراف دیکته شده زوری با زدن به سر همسروی.

بخش دوم شکایات آقای طاهری:

- شکایت از نویسندگان کتاب (حلقه اسارت) به اتهام نشر اکاذیب و تحریف و تغییر در مطالب کتاب‌های ایشان

- شکایت از ناشر مجله (عصر اندیشه) به اتهام انتشار ویژه نامه در مورد وی با ادعای کذب مصاحبه با وی و نشر اکاذیب و ...

- شکایت از عدم ارائه حکم اعدام صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی جهت پاسخگویی به دلایل کذب و ساختگی صدور حکم اعدام.

- شکایت به واسطه نشر اکاذیب و استناد به دلایل کذب جهت صدور حکم اعدام از جمله ادعای

دروغین کشف و توقیف مبلغ دومیلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی متعلق به ایشان از بانکهای سرتاسر ایران به هنگام دستگیری که دروغ محض بوده و همانطور که گفتم آقای طاهری فقط در تهران حساب بانکی داشت و موجودی او نیز فقط بیست و هفت میلیون تومان بوده است.

- شکایت از **رحیمی** کارشناس بواسطه عدم تحویل جوابیه کتاب (**افسون حلقه**) (در ۲۰ صفحه ۸۴ و ۵۰ صفحه ۸۴ استنادات قرآنی و نهج البلاغه و ...) و همچنین ۲۵۰ صفحه ۸۴ دفاعیه به دادگاه.

- شکایت بواسطه تمدید غیرقانونی بازداشت موقت.

- شکایت بواسطه تغییر قاضی، بازپرس، کیفرخواست، حکم دادگاه و عناوین اتهام به منزله عملی کردن تهدیدهایی که کارشناسان در قبال عدم همکاری با آنها به عمل آورده بودند مبنی بر اینکه به او گفته بودند بطور دائم دادگاه ها را برایت تجدید و تکرار خواهیم کرد و بر فرض محال رهایی از اعدام، تا آخر عمر بطور مرتب مرا به دادگاه خواهند برد و برمی گردانند و صدور حکم پشت صدور حکم.

- شکایت از "**انهاری**" بواسطه نشر اکاذیب و ...

- شکایت بواسطه عدم استرداد مدارک و اسناد مربوط به سوابق و بیوگرافی علمی از جمله مدارک مربوط به کسب رتبه نخست مسابقات سراسری ایران در سال های ۵۵ و ۵۶ و ... همچنین مدارک مربوط به طراحی، ساخت سلاح های انفرادی در صنایع جنگ افزارسازی (وزارت دفاع) با شروع جنگ تحمیلی.

- شکایت بواسطه سرقت اموال و تجهیزات دفتر موسسه در زمان پلمپ بودن.

- شکایت بواسطه عدم استرداد بعضی از اموال از جمله کلکسیون انگشترهای قدیمی که با شکستن درب انبار موسسه و ... بدون دادن رسید.

- شکایت از مطبوعات و جراید مختلف به اتهام نشر اکاذیب.

بخش سوم شکایات آقای طاهری

شکایات متعددی توسط ایشان علیه کارشناسان به عمل آمده است. منظور از کارشناسان، آقایان **محمودرضا قاسمی**، **انهاری**، **مظاهری سیف**، **ناصری راد**، **حمید نمازی**، **رحیمی**، **خانم میرزائیان** و حدود ده نفر دیگر که همگی هم در امر بازجویی (سوال و جواب کردن) و هم در امور کارشناسی (گرفتن اعترافات زوری دیکته شده) شرکت داشته اند.

در ضمن آقای طاهری با یکی از کارشناسان که در تاریخ ۹۴/۱۱/۱۳ برخورد بدی با وی کرد درگیر شد و همان روز شکایتی از وی به مراجع قانونی ذیربط ارائه داد. این کارشناس در جریان کارشناسی و ضرب و شتم آقای طاهری در سال های قبل نیز شرکت داشته است.

لازم به ذکر است که هیچ کدام از شکایات فوق الذکر که برخی از آنها چندین بار تکرار شده مورد رسیدگی قرار نگرفته اند و این خود نشان دهنده حمایت همه جانبه قوه قضائیه از اعمال غیرقانونی و

غیر انسانی کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه می باشد.

۳۱- گرفتن استشهدا های زوری دیکته شده علیه متهمین:

از شگردهای متداول کارشناسان علیه متهمین (سیاسی- عقیدتی- امنیتی) که به نحوی با جمعیتی مرتبط بوده اند و آن جمعیت غیر فرمایشی و غیر وابسته به نهاد ها و ... باشد و به نوعی هوادار متهم، این است که تعدادی از افراد متعلق به آن جمعیت را دستگیر و ضمن زدن برچسب (فرقه) آنها را تحت فشارهای گوناگون، رعب و وحشت، تهدید و ... قرار داده تا آنچه را که مطابق با سناریوی کارشناسان است علیه متهم بنویسند و در صورت امتناع از همکاری، مورد تهدید قرار می گیرند که برایشان پرونده سازی خواهند کرد، اعضای خانواده ها را دستگیر می کنند و یا در بعضی مواقع ممکن است فرد را مورد ضرب و شتم قرار دهند تا با ایجاد رعب و وحشت، آنها را وادار به نوشتن استشهدانامه کنند و به این طریق بالاخره با اعمال زور، فشار و تهدید، مدرک سازی هایی علیه متهم انجام داده و افرادی را از آن مجموعه در مقابل او قرار می دهند و با جمع کردن این عده در دادگاه، اقدام به سیاه نمایی و صحنه سازی نموده و با شهادت آنها، هم پرونده را قاطورتر می کنند و هم اینکه با این نمایش ها، مجرمیت فرد را در افکار عمومی کاملاً مستند و حقیقی نشان می دهند و از طرف دیگر با این عمل غیر انسانی، روحیه متهم را نیز در هم شکسته و با رسیدن به ناامیدی در دفاع از خود، راحت تر به اعترافات و مصاحبه های دیکته شده کذب بنماید.

در این مرحله با اعمال فریب به متهم می فهمانند که با وجود این شهادت ها علیه او، کارش تمام است و او را اعدام خواهند کرد. ولی اگر پیشقدم شده و اعتراف، مصاحبه و توبه (یعنی قبول جرم) نماید، به عنوان همکاری و اقدام به توبه قبل از صدور رای، حکم اعدام او را لغو می کنند. اما بعد از گرفتن توبه نامه، اعترافات، مصاحبه ها، بستگی به موقعیت فرد و سناریوی کارشناسان در مورد او، اگر مطمئن شدند که بقدر کافی فرد را در افکار عمومی لجن مال کرده اند که جامعه این سمپاشی ها را کاملاً پذیرفته و دیگر کسی از او دفاع نخواهد کرد، ممکن است او را رها کنند و یا چند سالی در زندان نگه دارند و اگر احساس کنند که حتی به احتمال ضعیفی، جامعه این لجن پراکنی ها را نپذیرفته، با در دست داشتن همین مدارک به ظاهر قانونی شامل توبه نامه، اعترافات، مصاحبه ها و ... اقدام به حذف قانونی متهم (اعدام، حصر خانگی، حبس ابد و ...) می کنند و با این شیوه ها هرگونه جمعیتی را که تشکل آنها خودجوش و غیر فرمایشی باشد با ترور شخصیتی و هتک آبرو و دستگیری و متهم کردن مدیریت این جمعیت ها را در وهله اول و برچسب زدن (فرقه) و انحرافات مختلف و ... در وهله بعد تشکل آنها را برهم زده و بدبینی شدیدی نسبت به شرکت در جمعیت های غیر فرمایشی در خانواده ها بوجود می آورند و از طریق رسانه ها اینگونه القا می کنند که مجامع مختلف (غیر وابسته به نظام سیاسی) همه منحرف و خطرناک هستند و با این تدبیر ریاکارانه از به خطر انداختن نظام تک فکری که مایل نیست هیچ تفکر دیگری در جنب و حاشیه آن به وجود

بباید، جلوگیری کند و بدین ترتیب از پیدایش و گسترش اندیشه‌های نو که بتواند مخاطبین را جذب کند، تا سر حد امکان، ممانعت به عمل آورند.

در مورد آقای طاهری

بواسطه اینکه (عرفان حلقه) با استقبال و موفقیت بسیار زیادی مواجه شد و افراد با شرکت در دوره‌های موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه به صورت کاملاً قانونی ثبت نام کرده و پس از طی دوره‌ها هوادار و طرفدار (عرفان حلقه) شدند. علیرغم قانونی بودن فعالیت موسسه و ... هواداری خودجوش جمعیتی غیروابسته به جریان‌های سیاسی مملکت، با سیاست فکری مسئولین امنیتی مغایرت داشت؛ زیرا باعث اختلال در نظام تک فکری حاکم می‌شد. بنابراین (عرفان حلقه) مورد حمله قرار گرفت و آقای طاهری به عنوان بنیانگذار این جریان فکری - تحقیقاتی، دستگیر شد تا تحت شگردهای ذکر شده در پستهای قبل، اقدام به لجن مال کردن و هتک آبروی وی نموده و با نشر اکاذیب مورد ترور شخصیتی قرار بگیرد و بدین طریق با در هم کوبیدن شخصیت، اندیشه وی یعنی تفکر (عرفان حلقه) نیز در نطفه خفه شود. بنابراین می‌بایستی این تبلیغات سوء و سمپاشی‌ها به عمل می‌آمد که وی باعث گمراه شدن دیگران شده است (به قول خودش مانند اتهام سقراط). از این رو اقدام به دستگیری تعداد زیادی از افرادی که در دوره‌های (موسسه) شرکت کرده بودند، نموده و آنها را تحت فشار، رعب و وحشت، اذیت و آزار و تهدید قرار داده تا شهادت بدهند که آقای طاهری آنها را گمراه کرده است. در این رابطه ده‌ها نفر را شخصا شاهد بودم که همکاران کارشناسم بالای سر آنها ایستاده و با نعره کشیدن، هتاک، ناسزاگویی و تهدید از آنها می‌خواستند تا آنچه را که می‌گویند، بر علیه آقای طاهری بنویسند و اصرار داشتند که این کار جلوی چشمان خود وی انجام شود، بدون اینکه آنها بدانند که آقای طاهری در آنجا حضور دارد، زیرا می‌خواستند با گرفتن این شهادت نامه‌ها روحیه وی را در هم ریخته و باعث یاس و ناامیدی او شوند. ولیکن هیچکس حاضر به نوشتن این شهادت‌های کذب نشد و آنها اقدام به تهدید دستگیری اعضای خانواده هایشان می‌کردند و یا می‌گفتند اعضای خانواده هایشان دستگیر شده‌اند و هم اکنون در سلول‌های انفرادی هستند.

بعضی مواقع از ضرب و شتم برای ایجاد فضای رعب انگیز استفاده می‌کردند. مثلاً یکبار که کارشناس بر سر یکی از خانم‌های دستگیر شده (خانم دره گلی) نعره می‌کشید که باید هر چه را می‌گوید، او بنویسد و آقای طاهری را نیز بدون آنکه او بداند، در گوشه اتاق نشانده بود، به ناگاه همزمان با لگد زدن به پایه صندلی این خانم، لگد محکمی نیز به ران سمت راست آقای طاهری زدند، که با اصابت او به دیوار جانبی، ناخن شست پای چپ وی کنده و به ریشه ناخن آویزان شد که بعداً در تاریخ ۹۱/۴/۵ در بیمارستان بقیه الله جراحی و کشیده شد.

۳۲- عدم اجازه به شهود و متخصصین برای دادن شهادت و گزارش به نفع متهمین (سیاسی - عقیدتی - امنیتی):

در صورتی که وضعیت پرونده متهم به گونه‌ای باشد که شهادت شهود بتواند به نفع او تمام شود و در این مورد تقاضای احضار و گرفتن شهادت و گزارش آنها را داشته باشد، به هیچ عنوان اجازه انجام این کار داده نمی‌شود و در صورتی که شهود بخواهند راساً به دادسرا یا دادگاه مراجعه کنند، بازپرس یا قاضی آنها را نمی‌پذیرد و در صورت پذیرفته شدن، شهادت و گزارش آنها گرفته نمی‌شود و در صورت اخذ ضمیمه پرونده نمی‌شود و در صورت اصرار آنها برای حضور در دادگاه و ارائه شهادت و گزارش خود، مورد تهدید قرار گرفته که برایشان پرونده‌سازی و به عنوان شریک جرم متهم تحت پیگرد قرار خواهند گرفت و ... همچنین متهم تهدید می‌شود که صحبت از گرفتن شهادت شهود و گزارش متخصصین و احضار آنها نکند، زیرا کارشناسان نمی‌خواهند این افراد به هر عنوانی در جلسه محرمانه دادگاه‌های انقلاب اسلامی حضور پیدا کنند و در فیلم جلسه دادگاه متهم موارد مثبتی به نفع او ضبط و ثبت شود و ...

در مورد پرونده آقای محمدعلی طاهری

با توجه به اینکه تحقیقات بسیار زیادی در شاخه‌های مختلف **عرفان حلقه** صورت گرفته بود؛ نیاز مبرم به بررسی‌های تخصصی و اظهار نظرهای متخصصین در رشته‌های مختلف با توجه به اتهامات وارده در حوزه عرفان، پزشکی و طب مکمل، مالی و ... وجود داشت، همچنین شهادت شهود زیادی که نشان دهنده کارایی **عرفان حلقه** در زمینه‌های مختلف مطرح در آن باشد. ولیکن کارشناس (رحیمی) تهدید کرد که اگر آقای طاهری بخواهد در دادگاه تقاضای احضار شهود و متخصصین کند، قلم پای همه را خرد خواهد کرد. بنابراین از احضار و فراخوان آنها ممانعت به عمل آورد و آنهایی را هم که به صورت خود جوش برای دادن شهادت مبنی بر بیگناهی آقای طاهری در نقاط مختلف از جمله در قوه قضائیه به صورت مسالمت آمیز تجمع کردند، مورد تهاجم قرار داده و هر بار عده‌ای را دستگیر کرده‌اند و نه تنها به هیچ وجه به شهادت و گزارش‌های آنها توجه نکرده‌اند بلکه تجمع آنها را بهانه‌ای برای تمدید بازداشت موقت، پرونده سازی جدید، عدم دادن مرخصی و ... قرار داده‌اند که این خود بیانگر نقض آزادی اندیشه، بیان، فعالیت جمعیت‌ها با اهداف مسالمت آمیز و ... می‌باشد.

در ضمن هزاران گزارش پایان دوره که دانش پژوهان موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه می‌بایست به موسسه عرفان حلقه تحویل می‌دادند و در آن نتایج حاصل از گذراندن دوره را

گزارش می‌کردند، از آنجا که این گزارش‌ها بدون استثنا همگی مثبت بودند، کلیه گزارش‌ها ضبط و امحاء شدند و به هیچ وجه این نتایج به دادگاه گزارش نشده است. همچنین اجازه گرفتن کارشناس رسمی دادگستری در امور مالی و حسابداری جهت رسیدگی به ادعای کذب در حکم اعدام صادره سال ۹۴ شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب توسط **قاضی احمدزاده** مبنی بر کشف و توقیف مبلغ دو میلیارد و چهارصد و هفتاد و پنج میلیون تومان موجودی نقدی متعلق به آقای طاهری از بانک‌های سراسر کشور به هنگام دستگیری وی و بررسی پرینت بانکی ادعایی به عنوان یکی از دلایل صدور حکم اعدام برای ایشان، داده نشد تا مبادا دروغ و پرینت جعلی آنها افشا نشود، زیرا کل موجودی آقای طاهری به هنگام بازداشت همانطور که گفته شد تنها بیست و هفت میلیون تومان بوده و فقط در تهران حساب بانکی داشته است.

بنابراین کارشناسان در این مورد اجازه ضمیمه پرونده شدن هیچ مدرکی را که به نفع متهم تلقی شود را نمی‌دهند و به شدت جلوی آن را می‌گیرند. اما شهودی که با برخورد با این وضعیت ناعادلانه بخواهند مستقلاً شهادت و گزارش خود را از طرق مختلف به اطلاع افکار عمومی رسانیده و از بیگناهی متهم دفاع کنند، بی‌درنگ با استفاده از برچسب‌های آماده مانند **(فرقه)**، **(گروه انحرافی)** و ... استفاده کرده و با برخورداری از امکانات رسانه‌ای گسترده‌ای که در اختیار دارند سعی می‌کنند تا با لجن‌پراکنی نسبت به هواداران متهم، شهادت‌ها و گزارش‌های آنها رو لوث و بی‌اثر کنند و در بعضی مواقع حتی اقدام به دستگیری این افراد و پرونده سازی برای آنان می‌کنند.

۳۳- توهین به شعور جمعی هواداران و مدافعین متهمین (سیاسی - عقیدتی - امنیتی)

این دسته از متهمین به علت اینکه معمولاً از نخبه‌های جامعه هستند، در میان اقشار مختلف مردم هوادارانی دارند وقتی با دروغ گوئی‌ها، تبلیغات سوء، سمپاشی و هتک حرمت نسبت به این نخبه‌ها مواجه می‌شوند، با پی بردن به کذب و بی‌اساس بودن تبلیغات به عمل آمده طبیعتاً از نظر اخلاقی و وجدانی وظیفه خود می‌دانند که در مقابل این هجمه‌های تبلیغاتی ناروا ایستاده و افترا و دروغ بودن آنها را به اطلاع افکار عمومی برسانند. کارشناسان در صورت گسترده شدن این حمایت‌ها با درست کردن برچسب‌هایی که بستگی به نوع جریان آنها دارد اقدام به خنثی سازی دفاعیات آنها می‌کند و با توهین به شعور جمعی مدافعین متهم، زمینه‌های هر چه بیشتر سرکوب نرم و سخت آنها را فراهم می‌کنند.

برای مثال در مورد **(عرفان حلقه)** با وجودی که افراد به صورت قانونی با پرداخت شهریه و دادن عکس و فتوکپی شناسنامه و کارت ملی و پر کردن فرم ثبت نام در دوره‌های **(موسسه فرهنگی هنری عرفان کیهانی حلقه)** و از هیچ‌گونه تشکل حزب مانند برخوردار نبوده‌اند، اما کارشناسان با زدن برچسب **(فرقه)**، گروه انحرافی و ... زمینه خلع دفاع آنها را فراهم کرده و با تداوم اصرار آنها در دفاع از بی‌گناهی آقای طاهری، بر چسب‌های دیگری مانند شیطان پرستی و ... را نیز به

برچسب‌های قبل اضافه کردند و با ادامه حمایت‌ها و شدت گرفتن دامنه مدافعات این افراد، اقدام به دستگیری عده زیادی نموده و با ایجاد رعب و وحشت در بین آنها سعی در منصرف کردن این عده در دفاع از ایشان و جلوگیری از افشاگری در مورد افتراها، دروغ‌ها و ... در سطح وسیع به عمل آورده‌اند، تا از طریق برخورد با افراد نخبه غیر وابسته و مستقل، قادر شوند اندیشه‌های نوظهور را که ممکن است برای نظام تک فکری، چالش برانگیز باشند، سرکوب کنند.

۳۴- اضافه کردن موادی در قانون جدید علیه متهمین (سیاسی - عقیدتی - امنیتی):

از مهمترین شگردهایی که کارشناسان علیه این دسته از متهمین به کار گرفته‌اند، اضافه کردن مواردی به قانون است به نحوی که دامنه اختیارات قانونی آنها را گسترش داده تا بتوانند به نحو موثرتری نسبت به سرکوب متهمین اقدام کنند.

برای مثال در قانون جدید، وکیل متهم باید مورد اعتماد و تأیید قوه قضائیه باشد یعنی با کارشناسان کاملاً همسو باشد (اسامی این عده را قرار است قوه قضائیه منتشر کند) که در این صورت، اعتراضات و شکایات متهم در مورد نقض آئین نامه دادرسی، رفتار غیر قانونی، غیر انسانی و ... کارشناسان که قبلاً امکان داشت توسط وکلا به بیرون درز پیدا کرده، در افکار عمومی انعکاس پیدا کند و یا وکیل وضعیت موکلش را با رسانه‌ها در میان می‌گذاشت و مردم از آن با خبر می‌شدند که باعث بی اعتباری قوه قضائیه و عدم استقلال قضات را آشکار می‌کرد و با انعکاس بعضی مطالب در افکار عمومی، به نوعی از بی گناهی متهم دفاع می‌شد و مشخص می‌گردید که دادگاه‌های انقلاب به قول خود آقای طاهری سفارشی، فرمایشی، تشریفاتی و نمایشی هستند. با شرایط پیش آمده که وکیل باید مورد وثوق و اعتماد قوه قضائیه باشد، دیگر فریاد حق طلبانه متهم و شکایات او از رفتارهای غیر قانونی و بی اعتباری اعترافات و مصاحبه‌های دیکته شده زوری توسط کارشناسان به گوش کسی نخواهد رسید، یعنی در واقع متهمی خواهیم داشت که تنها می‌ماند و در مقابل او جبهه واحد کارشناسان، بازپرس، قاضی، معاونین دادستان و وکیل همگی به صورت یک گروه هم صدا (و با وحدت کلمه) پرونده او را آنطور که مطابق با سناریو کارشناسان است جلو برده و به پایان می‌رسانند.

طبق یکی دیگر از مواد اضافه شده به قانون، رای و حکم دادگاه را فقط به وکیل متهم می‌دهند و از ابلاغ آن به متهم خودداری می‌کنند و از آنجا که حکم دربرگیرنده دلایل صدور رای است، بطور عمده به مسائلی مربوط می‌شود که تنها متهم از چگونگی و صحت و سقم آنها مطلع است و نه کس دیگر و وکیل نمی‌تواند در مورد آن قسمت از دلایل صدور حکم محکومیت که به زندگی، اندیشه و اعمال متهم مربوط است، پاسخ داده، قبول و یا رد کند و او فقط می‌تواند رای و حکم صادره را از نظر مطابقت با مفاد قانون مورد بررسی قرار داده، اشکالات احتمالی آن را ذکر و بر طبق مواد قانونی از متهم دفاع کند. اما اگر هم بخواهد دلایل صدور حکم را که به متهم مربوط می‌شود از او پرسیده و در دفاعیه خود وارد کند، باز هم اشکالاتی وجود خواهد داشت از جمله اینکه فرصت کافی در

اختیار او قرار داده نمی شود (فقط ۲۰ دقیقه) که حتی بخواهد حکم دادگاه را برای متهم بخواند، چه رسد به اینکه بخواهد پاسخ و دفاعیات او را در این مورد گرفته و یادداشت بردارد. حتی اگر در این مورد هم موفق شود، باز هم در مواردی مانند گرفتن اعترافات و مصاحبه های دیکته شده زوری و اعمال و رفتار غیرقانونی کارشناسان و بی اعتباری بسیاری از مدارک، استعلام ها و ... که متهم اگر بتواند با او در میان بگذارد، وکیل اجازه ندارد در لایحه دفاعی خود به اینگونه مطالب اشاره و در جایی از آن صحبت کند و یا آن را رسانه ای نماید. در غیر این صورت به اتهام نشر اکاذیب تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت (در قانون جدید، نشر اکاذیب از مصادیق افساد فی الارض در نظر گرفته شده تا به این طریق جلوی افشاگری از ظلم و ستم و شکنجه گری ها گرفته شود و کسی از ترس این برچسب و پاپوش نتواند از اقدامات غیرقانونی، غیر انسانی کارشناسان مطالبی را افشا کند). در نتیجه، پاسخگوئی و دفاع متهم نسبت به دلایل صدور حکم، بی جواب و یا ناقص می ماند که به منزله تأیید از جانب متهم و نداشتن دفاعی برای ارائه و حرفی برای گفتن تلقی می شود. همچنین با عدم تکذیب اعترافات و مصاحبه های زوری دیکته شده توسط متهم و وکیلش، محکومیت متهم، قطعی و مستند محسوب خواهد شد و با توجه به اینکه دلایل صدور حکم برای این دسته از متهمین به طور عمده افترا و کذب است، در نتیجه، با این شگرد اعمال متقلبانه پاپوش سازی، گرفتن اعترافات و مصاحبه های کذب دیکته شده که با تهدید و شکنجه گرفته شده اند، استعلام های فرمایشی از حراست ها و ... بدون پاسخ و دفاع باقی می ماند و وکیل هم که نمی تواند مطالب تند افشاگرانه از رفتار کارشناسان از قبیل شکنجه، تهدید را در دفاعیات خود بیان کند و در دفاعیات وکلا از چنین ادبیاتی استفاده نمی شود.

بنابراین با این شگرد ظاهر پرونده ها همگی نشان دهنده برخورد های قانونی، عادلانه، مستند، عاری از هر گونه شکایت و نارضایتی از سوی متهم می باشد و حکم قاضی نیز موجه و برخورد از وجاهت قانونی به نظر می آید.

یکی دیگر از موارد اضافه شده به قانون جدید که بسیار مکارانه می باشد، ظاهر شدن کارشناسان سازمان حفاظت اطلاعات سپاه در نقش موسسات خصوصی و تشکل های مردم نهاد NGO ها و ... می باشد که اسامی آنها قرار است از طرف قوه قضائیه اعلام شود، طبق این ماده اضافه شده در قانون جدید، به این بخش های خصوصی اختیارات قانونی داده شده تا بتوانند راسا از هر فرد یا گروه شکایت کرده، تحت پیگرد قانونی قرار دهند و در جریان دادرسی، بازجویی، کارشناسی، محاکمه و صدور رای، مشارکت داشته باشند، بدین ترتیب در لباس بخش خصوصی و به نام مردم به این دسته از متهمین حمله کرده، آنها را با افتراها و نشر اکاذیب، در حالیکه در پناه قانون هستند و کسی نمی تواند از آنها شکایت کند، آنها را مورد ترور شخصیتی، هتک آبرو و حیثیت قرار داده و سرکوب کنند، بدون آنکه در افکار عمومی نامی از سازمان اطلاعات سپاه در بین باشد و اینطور ظاهر سازی شود که این اعمال و رفتار، توسط بخش خصوصی و تشکیلات مردم نهاد صورت گرفته و متهم

بنا به درخواست‌های مردمی تحت پیگرد قانونی قرار گرفته‌اند و اگر هم این توطئه و دسیسه‌ها لو رفت، نام سازمان در میان نبوده و لطمه‌ای به آبروی آن وارد نشود. البته این روند قبلاً هم وجود داشته و این تشکیلات به ظاهر مردمی و خصوصی که وابسته به سازمان هستند، هر گونه تهاجم بخصوص سمپاشی‌های رسانه‌ای را بر عهده داشته‌اند.

در مورد کیس آقای محمدعلی طاهری

موسسه‌های بهداشت معنوی، فعالین ادیان و فرق با نام قبلی برخورد با ادیان و فرق، عمار و ... انجمن نجات یافتگان از عرفان حلقه و ... وابسته به سازمان، از طریق کارشناسان این سازمان مانند: **محمودرضا قاسمی، مظاهری سیف، انهراری، حمید نمازی، علی ناصری راد، خانم میرزائیان و ...** در خانه‌های شخصی و بازداشتگاه به صورت مجرمانه اقدام به بازجویی (سوال و جواب)، کارشناسی (گرفتن اعترافات و مصاحبه‌های کذب دیکته شده زوری) و رفتارهای غیر قانونی و غیر انسانی و در بیرون هم مبادرت به سمپاشی‌های گسترده، چاپ و نشر کتب، مجلات و مقالات با مطالب تحریف شده و کذب و افتراآمیز، برپائی همایش‌ها جهت ارائه تبلیغات سوء، تهیه فیلم‌ها و کلیپ‌های سرتاپا دروغ و ... به نام بخش خصوصی و مردمی (بدون آنکه اجازه پاسخگوئی و دفاع به شخص آقای طاهری داده شود) نمودند. اما حضور این عده که در محل‌های خصوصی و بازداشتگاه‌ها قبلاً مجرمانه بود و سعی می‌کردند کسی از آن مطلع نشود، هم اکنون قرار است علنی و تحت حمایت قانون و پشتیبانی آشکار محافل امنیتی انجام شود و از شکایت‌های متهمین و افراد از آنها به اتهام نشر اکاذیب، ایجاد مزاحمت و ... در امان باشند.

ماده دیگری که کارشناسان در قانون جدید گنجانده‌اند و مورد سوء استفاده گسترده‌ای قرار داده و خواهند داد، امکان به جریان انداختن پرونده‌هایی است که اتهام‌های مطرح شده در آنها قبلاً یا رد شده و فرد منع تعقیب گرفته و یا منجر به برائت و یا حبس گردیده و فرد در حال گذراندن مدت حبس است و یا به اتمام رسیده و آزاد شده که در هر صورت کارشناسان می‌توانند این پرونده‌ها را مجدداً مورد بازنگری قرار داده و دادگاه رای و حکم جدید صادر کند (در جهت تشدید مجازات و یا رد برائت) به بهانه اینکه رای صادره قبلی اشتباه بوده است. به این ترتیب همه کسانی که در زمینه (سیاسی-عقیدتی-امنیتی) پرونده دارند، تا آخر عمرشان زیر ساطور کارشناسان خواهند ماند و هر لحظه امکان دستگیری، تمدید حبس و بازداشت موقت و ... برای آنها وجود دارد و دیگر رای هیچ دادگاهی قطعیت نخواهد داشت. همچنین ابزاری در جهت تهدید بیشتر متهم به کار گرفته می‌شود که در صورت عدم همکاری (اعترافات کذب و ...) بعد از اتمام دادگاه و دوران حبس مجدداً پرونده او با تغییر در عنوان اتهام و ... مورد بازنگری قرار خواهد گرفت و به حبس او اضافه خواهد شد.

امکان تغییر عنوان اتهام ماده دیگری در قانون جدید است که آن هم امکان سوء استفاده را به هر نحو ممکن در اختیار کارشناسان قرار داده است: بدین ترتیب که اگر نتوانند از جسداندن اتهام و

پاپوش به فرد مورد نظر خود، به نتیجه مطلوب برسند، با تغییر عنوان اتهام بار دیگر متهم را به چالش جدیدی می‌کشانند.

در مورد کیس آقای طاهری

هنگامی که اتهام افساد فی الارض از طریق گمراه کردن افراد (به قول خود آقای طاهری اتهام سقراط) به دلیل فقدان دلایل و مدارک در دادگاه سال ۹۰ توسط قاضی پیرعباسی رد شد، در حکم مربوطه قید گردید که برای اثبات چنین اتهامی لازم بوده که حداقل ۱۰۰ نفر در این مورد مبنی بر گمراه شدن، شهادت می‌دادند که در نتیجه برای بازنگری مجدد پرونده و دوباره به جریان انداختن آن اقدام به دستگیری بیش از یکصد و پنجاه نفر از کسانی که در دوره‌های موسسه فرهنگی هنری شرکت کرده بودند، نموده و با ایجاد رعب و وحشت، تهدید و بعضاً ضرب و شتم در جهت گرفتن استشهاد از آنها مبنی بر گمراه شدن، سعی بر گرفتن این تعداد شهادت نامه کردند و از آنجا که کسی علیرغم این همه فشار چنین شهادت کذبی نمی‌دهد، کارشناسان از این ترفند نتیجه‌ای نگرفتند، مجدداً در سال ۹۳ با تغییر عنوان اتهام قبلی به (افساد فی الارض از طریق تشکیل فرقه و نشر افکار واهی) پرونده را با این اتهام جدید به جریان انداخته و توسط قاضی احمدزاده برای آن حکم اعدام صادر شد. ماده دیگری که در قانون جدید باز هم می‌تواند مورد سوء استفاده کارشناسان قرار گیرد، تهیه شکایات و استشهادهایی است که در آن هویت شهود و شاکیان به بهانه حفظ سلامتی جان آنها از خطرات احتمالی مخفی نگاه داشته می‌شود و از این طریق امکان درست کردن پرونده‌های ساختگی و فرمایشی در این زمینه، دست کارشناسان را برای قلع و قمع این دسته از متهمین کاملاً باز می‌گذارد.

۳۵- غیرمستقل بودن قضات دادگاه انقلاب و بازپرس‌های دادسرای امنیت (شهید مقدس):

همه شگردهایی که کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه بر روی متهمین پیاده می‌کنند، بدون هماهنگی و همکاری آگاهانه قاضی، امکان پذیر نخواهد بود و اگر قاضی عادل باشد، همه این شگردها نقش بر آب می‌شود، زیرا قاضی به سادگی متوجه ساختگی بودن خیلی از مدارک و استنادات و ... می‌شود. در ضمن بسیاری از متهمین علیرغم تهدیدهایی که قبل از جلسه دادگاه مبنی بر برخورداری از گرفتن مطالب متفرقه (یعنی افشاگری) و اینکه فقط جواب قاضی را داده و در قبال سوال و یا اتهام مطرح شده، از خود دفاع کند (برای اینکه فیلم دادگاه ضایع و افشاگرانه نشود و برای این نیت که مبادا قاضی متوجه مطلب خلافی شود)، اما باز هم تعدادی از متهمین به خود جرات می‌دهند تا نسبت به گرفتن اعترافات و مصاحبه‌های کذب دیکته شده، استعلام‌های فرمایشی و ... در دادگاه به قاضی توضیح داده و افشاگری کنند و خواستار تنظیم صورت جلسه در حضور و امضای وکیل خود مبنی بر بی اعتبار بودن اسناد و مدارک فوق می‌شوند و تقاضای رسیدگی به

شکایاتشان در قبال رفتارهای غیر قانونی کارشناسان می‌کنند. اما قاضی به هیچ وجه به این گفته‌ها توجه نکرده، حتی ممکن است به متهم اخطار کند که مراقب گفته‌های خود باشد و این حرف‌ها را تهمت و سیاه نمایی بنامد و یا نماینده دادستان متهم را تهدید کند که اگر خارج از روند دادگاه مطالبی را بیان کند، تحت عنوان طفره رفتن متهم از پاسخ گویی و دفاع از خود به جلسه دادگاه خاتمه داده و حکم متهم را صادر می‌کنند و متهم از ترس اینکه فرصت دفاع را از دست بدهد، از طرح این گونه موارد و شکایات خود صرف نظر می‌کند و یا از طرح بسیاری دیگر از مطالب منصرف می‌شود.

همه مواردی که در پستهای قبل عرض کردم، در دادگاه‌های آقای محمدعلی طاهری اتفاق افتاد و آقای طاهری خطاب به قاضی پیرعباسی و احمدزاده در مورد اعمال و رفتار غیر قانونی، غیر انسانی و... تهدید و شکنجه‌ها، ضرب و شتم و ناسزاگویی کارشناسان و گرفتن مصاحبه کذب دیکته شده به زور و تهدید و اغوا توضیح داد و خواستار تنظیم صورت جلسه مبنی بر بی اعتباری مصاحبه گرفته شده نمود، ولیکن نه تنها این قضات هیچ گونه توجهی نکردند بلکه یکی از معاونین دادستان در جلسه دادگاه مدام از جای خود بلند می‌شد و فریاد می‌زد که ایشان می‌خواهد از پاسخ گویی و دفاع طفره برود و می‌خواهد باعث اطاله وقت دادگاه شود و... باید جلسه دادگاه را خاتمه بدهیم و رای را صادر کنیم.

همچنین ارائه شکایات متعدد توسط آقای طاهری در خلال چندین سال گذشته در این موارد و خطاب به دادرهای کارکنان دولت، نیروهای مسلح، ویژه قضات به نحوی ثابت می‌کند که همه مسئولین قوه قضائیه در جریان کامل تخلفات و روند ناعادلانه جاری در نحوه دادرسی هستند، اما سیاست حاکم، بیانگرو نشان دهنده حمایت همه جانبه از کارشناسان سازمان اطلاعات سپاه می‌باشد و در واقع به این ترتیب، عدالت فدای مصلحت نظام (در ظاهر و در کوتاه مدت و با تفسیرهای غلط) شده است در حالیکه تفاوت نظام حسینی و نظام یزیدی فقط در بود و نبود (عدالت) می‌باشد.

بنابراین اصلی ترین ابزار در دست کارشناسان، وجود قضات و بازپرس‌ها و معاون دادستان و... است که با همکاری با آنها کیفرخواست‌های کذب، حکم دستگیری‌های بدون دلیل و مدرک و... صادر می‌شود که تا کنون بر روی این اعمال صحنه گذاشته شده و پوشیده مانده است.

۳۶- برگزاری دادگاه‌های غیر علنی و یا علنی کنترل شده:

اکثر دادگاه‌های انقلاب اسلامی به صورت غیر علنی، محرمانه و پشت درهای بسته برگزار می‌گردد تا نحوه برگزاری و چگونگی محکوم شدن متهم افشاگری‌های احتمالی متهم و... از دید عموم پنهان نگه داشته شود و مشخص نشود با ارائه چه مدارکی از طرف دادگاه و متقابلاً ارائه چه دفاعیه‌ای از

جانب متهم، رای و حکم دادگاه مبنی بر محکومیت او صادر گردید (زیرا کسی از دادگاه انقلاب برائت نگرفته است) و مردم پی به «سفارشی، فرمایشی، تشریفاتی و نمایشی» بودن دادگاه به قول آقای طاهری پی ببرند.

بدون شک اگر دادگاه‌های انقلاب اسلامی به صورت علنی برگزار می‌گردید، روند ناعادلانه جاری برای کارشناسان بسیار مشکل ترمی شد و آنها قادر نبودند به این سادگی رای و حکم‌های محکومیت برای متهمین از دادگاه بگیرند و اگر روزی فیلم دادگاه‌هایی مانند دادگاه خود آقای طاهری که حکم اعدام صادر کرده، از رسانه‌ها پخش شود همه حقایق پشت پرده و خیلی از این شگردها افشا می‌شد. اما در مواردی هم که به دلایلی به خاطر افکار عمومی و نشان دادن عادلانه بودن دادگاه، آن را علنی برگزار کنند اکثر کسانی که حضور دارند، کارشناسان اطلاعاتی سازمان هستند که برای هدایت جریان رسانه‌ای به سمت و سوی دلخواه خود، دادگاه را در اختیار دارند و فیلم برداری از دادگاه را انجام داده و به کس دیگری از وکلا و بستگان درجه یک متهم که در دادگاه شرکت داده می‌شوند، اجازه ضبط صوت و فیلم برداری نمی‌دهند و به بهانه حفظ آبرو متهم از پخش فیلم و صوت دادگاه جلوگیری و فقط بریده‌هایی از فیلم محاکمه را با تفسیر و تحلیل خود از طریق رسانه‌ها پخش و جریان خبری به گونه‌ای پیش می‌برند که طی مراحل، محکومیت او را در افکار عمومی جا بیاندازند، بدون آنکه دفاعیات او منتشر شود و یا در موارد اتهام فساد مالی که به منظور انحراف ذهن مردم از فساد حکومتی به چند نفر از کسانی که قرار است قربانی شوند همه تقصیرها و دزدی به گردن آنها انداخته شود، بدون آنکه از افراد پشت صحنه این دزدی‌ها و فسادها و ... شامل به اصطلاح حنجره طلایی‌ها، امضا طلایی‌ها و کلید طلایی‌ها نامی برده شود، دادگاه را هدایت می‌کنند. به هر حال برگزاری دادگاه‌ها پشت درهای بسته و کنترل شده، سرپوشی بر اقدامات غیرقانونی و ظالمانه مجموعه کارشناسان، قضات، بازپرسی‌ها، نمایندگان دادستان، نمایندگان حقوقی سپاه و ... ایجاد کرده است.

۳۷- گنج کردن متهم به هنگام مباحثه با زدن ضربه:

یکی از شگردهایی که بیشتر زمانی که با فرد در حال مباحثه هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد به گونه‌ای که متهم را ملتعب، دستپاچه، خود باختة و غیر مسلط به بحث و موضوع (بخصوص در مورد متهمین اعتقادی) نشان دهد. در این شگرد ضمن بحث با متهم در مورد موضوع مورد نظر کارشناسی، ناگهان با زدن ضربه‌ای به متهم، شوکی به او وارد می‌کنند و کماکان به بحث ادامه می‌دهند و فرد که رشته کلام از دستش خارج می‌شود، ممکن است در رابطه با موضوع لحظاتی در گفتار و ادای کلمات و انتخاب واژه‌ها، اشتباهی را مرتکب شود و آنها نیز با بریده صوت و فیلم این اشتباهات لپی، کلیپ‌هایی را ساخته و از آن سوء استفاده‌هایی کنند حتی ممکن است بر این اساس، اتهامات جدیدی را نیز به او وارد کنند.

برای اینکه موضوع پست قبل در قالب مصداق روشن شود، به ذکر نمونه‌ای درباره آقای محمدعلی طاهری می‌پردازم.

در اردیبهشت ۸۹، یکی از کارشناسان (معروف به میرهاشمی) وی را در گوشه یکی از اتاق‌های بازجویی رو به دیوار بر روی صندلی نشانده و دوربین فیلم برداری کوچکی در قسمت سمت راست ایشان قرار داد و در حالیکه پشت سر آقای طاهری ایستاده بود، سوالاتی را مطرح و بحثی را شروع کرد و کمی بعد به ناگاه با کف دست ضربه محکمی به پشت سر ایشان زد و آقای طاهری که از شدت ضربه و هم از غیر منتظره بودن آن گیج شده بود، کاملاً رشته کلام از دستش خارج شد و میرهاشمی در همان حال به بحث ادامه می‌داد. فقط یاد می‌آید که موضوع بحث سوالی بود که آقای طاهری جوابش را با «لَا تَأْخُذْهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» می‌داد ولی مات و مبهوت بود.

مدتی بعد که آقای بیگی ایشان را به دادسرای شعبه پنجم دادگاه انقلاب اعزام کرد، یکی از سوالاتی که در برگه بازپرسی، از آقای طاهری پرسیده شده بود این بود که آیا وی ادعا کرده در قرآن و در آیه الکرسی «سِنَّةٌ» غلط و «سِنَّةٌ» صحیح می‌باشد؟ که گویا آقای طاهری جواب داده بود که هرگز چنین نظری نداشته و چنین موضوعی را نیز بیان نکرده است.

بنابراین این یک شگرد بوده که کارشناسان با ایجاد چنین شرایطی و گیج کردن فرد و فیلمبرداری از صحنه و سپس ساختن کلیپ‌های صوتی و تصویری از آن چنین القائاتی را ایجاد کنند. با توضیحات آقای طاهری، بازپرس بیگی این اتهام و چند اتهام دیگر از این قبیل را رد کرد که در نتیجه کارشناسان هم پرونده وی را به دادسرای امنیتی شهید مقدس، شعبه پنجم به نزد بازپرس اسدی منتقل نمودند. (بازپرس بیگی را نیز به دادسرای پارک شهر منتقل کردند).

نحوه ضبط و توقیف اموال، اسناد و مدارک و سوء استفاده از آلبوم عکس‌ها و فایل‌های خانوادگی از طریق انتشار در فضای مجازی:

کارشناسان در بازرسی از منزل، محل کار، انبار، خودرو و هر جای دیگری که به نوعی متهم را با آن مکان مرتبط بدانند، کلیه اسناد و مدارک، آلبوم عکس‌ها و فایل‌ها، رایانه‌ها، حافظه‌های جانبی و ... را جمع‌آوری و با خود می‌برند و اگر خود راساً اقدام به شکستن قفل در و دخول به محل کرده باشند که از بابت ضبط آنها به کسی رسید نمی‌دهند و در صورتی که کسی در محل باشد، لیست اشیاء ضبط شده را در رسید قید می‌کنند اما در ازای ضبط اسناد و مدارک فقط اشاره کلی و فله‌ای مبنی بر اینکه چند کیسه اسناد و مدارک ضبط شده می‌نمایند.

کارشناسان به طریق زیر عمل کرده‌اند:

- دادن رسید کلی و فله‌ای (هفت کیسه مدرک) برای ضبط کلیه اسناد و مدارک در بازرسی از منزل

در تاریخ ۸۹/۱/۲۹ و عدم عودت آنها.

- ضبط اسناد و مدارک و اموال بدون دادن رسید. در بازرسی و پلمپ موسسه ایشان در سال های ۸۹ و ۹۰ و سرقت بسیاری از تجهیزات گران قیمت موسسه بعد از پلمپ کردن موسسه که علیرغم شکایات متعدد آقای طاهری تاکنون بلا تکلیف باقی مانده است.

- ضبط اسناد و مدارک از منزل وی بدون دادن رسید در اردیبهشت ۹۰

- شکستن در انبارهای موسسه ایشان و ضبط اموال، اسناد و مدارک در سال های ۸۹ و ۹۰ بدون دادن رسید و غصب کلکسیون انگشترهای قدیمی گران قیمت وی که علیرغم شکایات متعدد ایشان تاکنون عودت داده نشده اند. در ضمن بسیاری از اموال، اسناد و مدارک ضبط شده، هیچ ارتباطی به اتهاماتی که بعنوان پاپوش به آقای طاهری نسبت داده شده و از بابت آنها ایشان را بازداشت کرده اند، نداشته اند.

بعد از مرحله ای که تا اینجا عرض شد، کارشناسان با توجه به سناریوی مورد نظر خود و اینکه در قبال اسناد و مدارک رسیدی به متهم داده نشده و یا رسید کلی به او داده شده و مشخصات اسناد و مدارک معلوم نیست، هر مدركی را که بخواهند مخفی نموده و بردن آن را حاشا می کنند مانند پاسپورت و یا مدارکی که بیوگرافی مثبت و حسن سابقه، تقدیر نامه ها، جوایز را نشان دهد و یا بی گناهی او را در مورد پاپوش هایی که برای او درست کرده اند، ثابت کند. سپس از میان آلبوم عکس ها و فایل های خانوادگی، عکس هایی را که فرد و اعضای خانواده او در مهمانی های خانوادگی و یا مناسبت های ویژه مانند عقد و عروسی، جشن تولد و ... بی حجاب و یا با نامحرم انداخته، بیرون آورده، آنها را برای متهم کردن او به عدم پابندی اش به مسائل شرعی و بعنوان چماقی برای کوبیدن فرد از این زاویه مورد سوء استفاده قرار می دهند (در حالیکه خود اصلا به اصول و فروع دین اعتقادی ندارند و رکیک ترین دشنام ها، شنیع ترین تهدیدها و کثیف ترین جک ها رو تعریف می کنند حتی در صورت لزوم اقدام به تجاوز نمادین می کنند (برای مثال در مورد جانباز چهل درصد حسین محمدنژاد اردشیری و یا در بازداشتگاه کهریز).

همچنین در بعضی موارد بستگی به موقعیت اجتماعی متهم با قرار دادن بعضی از این عکس ها بر روی اینترنت و وانمود کردن به اینکه این عکس ها را نزدیکان فرد بر روی سایت ها قرار داده اند، از طریق فضای مجازی زمینه سم پاشی و تبلیغات سوء علیه او را مبنی بر عدم پابندی اش به مسائل شرعی فراهم می کنند تا راه را برای حملات رسانه ای بعدی و افتراهای آنی هم میسرتر گردد. این شگرد بیشتر برای متهمین عقیدتی مورد استفاده قرار می گیرد. اما ممکن است برای سایر متهمین نیز به منظور نشان دادن بی بند و باری و عدم اعتقاد آنها به مسائل شرعی و ... نیز مورد بهره برداری قرار بگیرد.

درباره آقای طاهری، با قرار دادن عکس های ایشان بر روی سایت اینترنتی، که در

یک جمع خانوادگی گرفته شده و فقط در آن همسر و دخترشان و همسریکی از دوستان ایشان و دخترش که به اتفاق آقای طاهری به صورت دسته جمعی گرفته شده، بدون روسری بوده اند و کارشناسان بعد از دستگیری وی و ضبط اسناد و مدارک و آلبوم عکس‌ها، فایل‌ها و ... در اردیبهشت ۸۹ این عکس را بر روی اینترنت قرار دادند تا به خیال و تصور خود در افکار عمومی اینگونه القاء کنند که آقای طاهری به رعایت حجاب اعضای خانواده اش جدیت ندارد و از این طریق پاپوش‌هایی را که برایش ساخته بودند، بهتر جا بیندازند.

البته کارشناسان در صورت در دست داشتن عکس‌های نامناسب، از شگرد کثیف تهدید بر روی اینترنت قرار دادن آنها استفاده می‌کنند. همچنین تهدید دیگر در این مورد وجود دارد، ادعا می‌کنند که اطرافیان متهم را تحت نظر قرار داده و با قرار دادن دوربین‌های مخفی و افرادی بعنوان طعمه و ... از روابط خصوصی آنها مخفیانه فیلم تهیه کرده‌اند که در صورت عدم همکاری، آن فیلم‌ها را بر روی اینترنت قرار می‌دهند و در صورت صحت ادعا، با تهدید همان افراد، جریان‌هایی را نیز علیه متهم تدارک می‌بینند. در ضمن کارشناسان با استفاده از فایل فیلم‌ها و صوت‌های موسسه آقای طاهری، از طریق مونتاز، دستکاری و مخدوش کردن موضوع آنها از طریق ساخت کلیپ‌هایی با بریده‌هایی از فیلم‌ها بطور ناقص و اضافه کردن صدا به آنها، ایجاد تغییرات و ... به منظور هدایت موضوع به سمت مورد دلخواه خود، نسبت به انحراف افکار عمومی و نشر اکاذیب از طریق رسانه‌ها اقدام کرده‌اند.

تفاوت بین بازجو و کارشناس:

بازجویی عبارت است از تحقیق از متهم (کسی که ارتکاب جرمی به او نسبت داده شده است) به منظور کشف حقیقت و متقابلاً **بازجو** نیز مأمور کشف حقیقت است. در روند بازجویی همه تلاش بازجو این است که متهم به سوالات به درستی، دقت، صحت و صداقت پاسخ گفته و مطلبی را نیز کتمان نکند تا او بتواند با چیدن مطالب تحقیق شده در کنار یکدیگر به کشف حقیقت موضوع پی ببرد. در واقع، پاسخ به اعترافات کذب نه تنها به درد بازجو نمی‌خورد بلکه باعث انحراف ذهن او در دستیابی به حقیقت نیز می‌شود. بازجو با به دست آوردن مدارک، دلایل و شواهد و یا با پیدا کردن ضد و نقیض و یا مطالب کلیدی در پاسخ‌های متهم او را در بن بست قرار داده و او به ناچار مجبور به افشای حقیقت ماجرای مورد تحقیق می‌شود. گاهی نیز از روی همین مدارک پی به بی‌گناهی متهم می‌برد.

اما **کارشناس** کسی است که بر اساس سناریوهای از پیش تعیین شده حرکت می‌کند. حتی دستگیری افراد نیز بر اساس سوزده‌های این سناریوها تعیین می‌شود. بنابراین هدف او از دستگیری افراد، کشف حقیقت نیست، زیرا خود به خوبی می‌داند که هدف از دستگیری شخصی و یا اشخاص، صرفاً تکمیل و تحقق بخشیدن به یک سناریو است و کسی را که به ارتکاب جرمی متهم

نموده، در اصل برایش پاپوش درست کرده و براساس آن پاپوش، اقدام به دستگیری او نموده است. بنابراین، در این موارد بازجویی بی معنی است و کارشناس برخلاف بازجو از متهم می‌خواهد آن چیزهایی را بگوید، اعتراف و مصاحبه کند که او می‌گوید و دیکته می‌کند. شاید انتخاب نام **کارشناس** برای این دسته از مأمورین سازمان اطلاعات سپاه که هیچگونه سابقه تاریخی در سیستم امنیتی-اطلاعاتی ایران (حتی در جهان) تاکنون ندارد جعل عنوان از «کارشناس رسمی دادگستری» باشد تا به گونه‌ای در افکار عمومی، چنین مقوله‌ای را در اذهان مردم تداعی کند و جامعه نسبت به چنین واژه‌ای احساس بدی نداشته باشند. بخصوص اینکه کارشناسان رسمی دادگستری قسم خورده هستند و دارای سابقه بسیار خوبی در جامعه ایران دارند.

در اصل به این علت نام «**کارشناس**» بر روی مأمورین اطلاعات سپاه گذاشته شده که سه نقش اصلی را در رابطه با افراد مورد نظر سناریوهای خود ایفا می‌کنند که عبارتند از:
- کارشناس چگونه و با چه ترفندی برای فرد یا افراد مورد نظر پاپوش درست کند و با چه بهانه‌هایی اقدام به دستگیری کند؟ (کار دست افراد دادن)

- کارشناس چگونه و با چه حيله، فریب، شگرد و ... افراد دستگیر شده را وادار به اعترافات و انجام مصاحبه‌های کذب دیکته شده کند؟ (کار افراد را کارسازی کردن)
- کارشناس چگونه کار افراد دستگیر شده را تمام کند و سر آنها را زیر آب کند، بطوریکه در افکار عمومی کاملاً موجه به نظر بیاید؟ (کار افراد را تمام کردن)

بنابراین «**کارشناس**» کسی است که این سه کار را خیلی خوب می‌شناسد و قادر است آنها را بر روی افراد پیاده کند تا بتواند سناریوهای مورد نظر سازمان را تحقق ببخشد. بخش عمده این سناریوها تحقق بخشی به شعارهایی است که نظام مطرح می‌کند مانند تهاجم فرهنگی، جنگ نرم، مفاسد اقتصادی، ولنگاری فرهنگی، نفوذ و ...

بنابراین ضمن صحه گذاشتن بر این شعارها در افکار عمومی، آن را به طور غیر مستقیم، دلیل مورد تهاجم قرار داشتن از سوی ابر قدرت‌ها را در افکار عمومی القاء نموده و این را نشانه حقانیت خود به مردم معرفی و زمینه حمایت هر چه بیشتر آنها را از نظام فراهم کند و از طرف دیگر علت نابسامانیهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... را به گردن عده‌ای بیاندازند و ذهن افکار عمومی را از فساد گسترده حکومتی دور کنند و چنین وانمود می‌کنند که با سرکوب این عده، همه ناملایمات بر طرف خواهد شد. بدون توجه به اینکه این شگرد، چندین دهه است که از آن استفاده می‌شود، ولیکن وضعیت و روند جاری و نابسامانیها، همه ساله رشد قابل توجهی داشته زیرا عامل اصلی همه آنها، فساد حکومتی است.

اما ماهیت عمل «**بازجو**» قانونی است و او بر طبق اختیارات قانونی خود (صرف نظر از تخلفات احتمالی)، موظف به تحقیق از متهم است و باید به کشف حقیقت نائل شود. ولیکن «**کارشناس**» کاملاً غیر قانونی است و قانون این حق و اختیار را به کسی یا گروهی نداده که برای پیشبرد اهداف

خود اقدام به طرح سناریوهایی نموده و براساس آن افرادی را به عنوان سوژه انتخاب و دستگیر، آنها را وادار به اعتراف و مصاحبه‌های دیکته شده بر اساس آن سناریوها کنند. بنابراین ماهیت عمل «کارشناس» غیرقانونی، غیرانسانی، غیراخلاقی و ... است.

مقایسه «کارشناس سازمان اطلاعات سپاه» با «بازجوی ساواک»:

با مراجعه به اسناد انقلاب و خاطرات زندانیان سیاسی رژیم سابق (از جمله خاطرات عزت شاهی بعنوان سند زنده زندان‌های ساواک می‌توان این مقایسه را به اختصار، به شرح زیر جمع بندی نمود: ۱- بازجوی ساواک از شیوه بازجویی غیرمتعارف (با اعمال شکنجه جسمی) به مدت محدود (حدود سه ماه) استفاده می‌کرد و اگر در خلال این مدت، زندانی به اصطلاح به حرف نمی‌آمد، به بازجویی ادامه داده میشد. اما کارشناس سازمان، زندانی را برای امور کارشناسی به مدت طولانی حتی سالیان دراز تحت اعمال شکنجه روحی (گاهی نیز شکنجه جسمی) قرار می‌دهد در حالیکه شکنجه روحی بسیار دردناک تراز شکنجه جسمی است و درد و رنج آن التیام پذیر نیست.

۲- هرگز موردی از زندانیان سیاسی در رژیم سابق مشاهده نشده که از طرف ساواک مورد «کارشناسی» قرار گرفته و از او خواسته شده باشد که به دروغ مطلبی را اعتراف یا مصاحبه دیکته شده زوری کذب انجام داده باشد و همگی این زندانیان فقط تحت بازجویی تحت شکنجه جسمی قرار داشته و از آنها طبق معمول بازجویی خواسته شده تا حقیقت را بگویند و اطلاعات مورد درخواست بازجوها را در اختیارشان بگذارند.

۳- بازجوی ساواک به نام خود که مستعار هم بوده اقدام به اعمال شکنجه‌های جسمی و رفتارهای غیرانسانی کرده‌اند ولی کارشناس سازمان به نام خدا، پیامبر (ص)، ائمه علیه السلام، اسلام و باورهای مقدس مردم اقدام به اعمال و رفتارهای غیرقانونی، غیرانسانی، غیراسلامی و ... نموده و خود را به نام سرباز گمنام امام زمان (عج) جا زده و به نام این امام بزرگوار، حيله‌ها و نیرنگ‌های خود را پیاده می‌کند.

۴- بازجوی ساواک برای انجام اقدامات و اعمال غیرقانونی خود کلاه شرعی درست نکردند. اما کارشناس سازمان مدعی است از مراجع عظام تقلید فتوی دریافت کرده‌اند که چون با دشمنان اسلام، استکبار جهانی، منافقین و ... در جنگ هستند و آنها به فریب و نیرنگ متوسل می‌شوند، بنابراین کارشناسان نیز اجازه دارند که نیرنگ و حيله کرده، قسم دروغ یاد کنند، اسیر بگیرند، اموال مخالفین را به جرم همکاری با دشمن کافرو ... تصاحب کرده و مسترد نکنند و یا هر کار دیگر که لازم باشد، انجام دهند.

۵- بازجوی ساواک در صورتی که متهم با او همکاری می‌کرد، حقیقتاً به او کمک می‌کرد و از دادگاه برایش درخواست تخفیف می‌کرد و حتی در صورتی که حاضر به توبه و درخواست بخشش می‌کرد، او را مورد عفو قرار می‌دادند (که در موارد زیادی دیده شده است). اما کارشناس سازمان در صورتی که

زندانی با او همکاری کند و هر چه را که او می خواهد اعتراف کرده و مصاحبه کند، به طور قطع حکم محکومیت خود را امضا کرده است و از آن اعتراف و مصاحبه علیه خود او استفاده می کنند، زیرا اصولاً کار کارشناسی متکی به خود اقراری خود فرد است نه ارائه دلایل و مدارک و شواهد. همه تلاش کارشناس این است که زندانی را وادار به همکاری کرده تا بتواند از طریق گرفتن اقرار و ... او را محکوم و سربه نیست کند.

۶- بازجوی ساواک موظف به ارائه دلایل و مدارک علیه زندانی سیاسی در دادگاه های به اصطلاح ستم شاهی بود و هیچ یک از زندانی های سیاسی در رژیم سابق بدون وجود مدارک و شواهد در دادگاه محکوم نشدند. اما کارشناس سازمان اگر هم نتواند از طرق یاد شده، زندانی را وادار به اعترافات و مصاحبه کذب دیکته شده بنماید، باز هم در دادگاه انقلاب اسلامی نیازی به ارائه دلیل و مدرک ندارد (به شهادت فیلم های دادگاه ها) و قاضی رای مورد نظر او را در دادگاه های سفارشی، فرمایشی، تشریفاتی و نمایشی صادر می کند.

همکاری دلسوز دارم که مدتی مرا از نوشتن منع کردند به بهانه امنیت. اما پروژه مجدد اعدام محمدعلی طاهری و پخش فیلم مونتاژ شده ثارالله در شبکه ۳ که قرار است در دادگاه وی نیز به نمایش در آید. مرا بر آن داشت دوباره نکات مهمی را به رشته تحریر در آورم. (۱۱ اسفند ۹۵)

روش های غیراخلاقی (کارشناسان) در جمع آوری اطلاعات، رطب خورده ای به نام محمودرضا قاسمی

مدتی پیش یکی از شاگردان محمدعلی طاهری بازداشت شده بود. طبق شرح وظیفه مامور تحقیق و بررسی اسناد و لوازم شخصی متهم شدیم. وسایلی که از منزل متهم توسط همکاران ضبط شده بود با ارجاع به بخش فنی تخلیه اطلاعات شد. با بررسی داده های به دست آمده به مطالبی برخورد کردیم که باید اقرار کنم در بیداری وجدانم و توبه از آنچه که بودم، بی تاثیر نبود. خواستم چند خطی برای آقای محمودرضا قاسمی بنویسم و او را دعوت به توبه کنم اما به حرمت حفظ خانواده اش و آرامش مریم خانم (همسرش)، زهرا خانم (دخترش) و پسرهای دوقلویش تا امروز از کارهای شنیعش حرفی نزده ام. او کسی است که به خاطر گرفتن دست نامحرم از شلاق و ... می گفت اما شاید خیلی ها ندانند چه ها که نکرده است؟

البته آن روز اطلاعات مربوطه از وسایل شخصی متهم پاک شد تا توسط او قابل استفاده نباشد. با اتفاقی که برای حجت الاسلام انهاری افتاده بود همه محتاط شده بودند اما آن مطالب نزد این جانب که یکی از مامورین تحقیق پرونده بودم محفوظ ماند تا امروز که بر حسب ضرورت و بخاطر شرایط مخاطره آمیزی که برای آقای محمدعلی طاهری ایجاد شده خود را در برابر آنچه کرده ام مسئول می بینم و اگر لازم باشد بی هیچ ملاحظه ای پرده از روابط نامشروع (البته خود صیغه خوانده) ایشان و

جزئیات رابطه ایشان با خانمهای مجموعه عرفان حلقه و عکسها و چت هایش و پیشنهادات تصویری صیغه همکارش **حجت الاسلام جواد محرابی** به خانمها در چت ها برخواهم داشت. فی الحال ترجیح می دهم فقط مبشر و منذر باشم و برای برادران گمراهم از درگاه الهی طلب مغفرت کنم و آنها را به یاد **(اخلاق در خانواده)** بیاندازم که چگونه اخلاقی که مدعیش هستند را حتی در حفظ تعهد به همسر و خانواده شان هم بکار نبردند.

تا مجال بعدی چه ایجاب کند و رحمت الهی چگونه راهنمایم باشد.
۱۱ اسفند ۹۵

اعترافات یک بازجو

در طول تاریخ همواره انسان‌هایی بوده و هستند که در هر موقعیتی قرار بگیرند، با دیدن و روبه رو شدن با ظلم و بی عدالتی، وجدان آن‌ها بیدار شده و نسبت به افشای نامردمی‌ها به هر طریق ممکن اقدام می‌کنند؛ حتی اگر جان خود را به خطر بیندازند.

آن‌چه که انسانیت را هنوز زنده نگه داشته و مانع از سقوط انسان به ورطه حیوانیت شده، وجود چنین اسطوره‌هایی است که قلب‌هایشان هنوز نمرده و آثار انصاف، مروت و... در آن‌ها می‌جوشد و از این جوشش است که انسان می‌تواند به واسطه اشرف مخلوقات بودن، بر خود بی‌الد.

کتاب حاضر شرح نمونه‌ای است از این آزاد منشی‌ها که باید با یادآوری آن، حماسه‌های شکوهمندی از این دست؛ زنده نگه داشته شود تا امیدی برای تعالی بشریت باشد.

